

موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا: فرصتی استثنایی برای تحقق ایده

راهبردی توسعه‌گرایانه مبتنی بر تجارت آزاد

خلاصه مدیریتی:

با اجرایی سازی موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ که طی آن در نظر است تعرفه گمرکی تعداد شش هزار قلم کالا با کد HS هشت رقمی (نه هزار قلم کالا با کد HS ده رقمی طرف اوراسیایی) برای نخستین بار صفر شود، تحول مهمی در حوزه تجارت خارجی کشور در شرف وقوع است. این موافقت نامه که اولین تجربه کشورمان در توافق با یک اتحادیه اقتصادی برای ورود به فاز تجارت آزاد و به تبع آن، کمک به رقابت پذیری اقتصاد ملی است، ظرفیت جابجایی یا ایجاد نظم ساختاری تجاری برای کشور در محیط پیرامونی را دارد و فرصت مغتنمی است برای نظام حکمرانی کشور تا موازنه ضعیف کشورمان با منطقه اوراسیا را به موازنه پایدار و قاعده مند، تبدیل و به واسطه ادغام و اتصال اقتصادی منطقه ای، راه ورود کشورمان به اقتصاد جهانی را در آینده هموارتر نماید. از این جهت، این موافقت نامه در صورت اجرای صحیح، ظرفیت جبران بخشی از جدایی ایران از بازارهای جهانی در قالب تجارت آزاد منطقه ای را داراست.

هرچند نگارنده سطور بر این باور است که بهترین حالت برای کشورمان این است که بتواند با کلیه بلوک ها و زنجیره های ارزش جهانی و منطقه ای از جمله زنجیره های اوراسیا و یوروآتلانتیک و نیز تمام مولفه های قدرت بین المللی تعامل و رابطه داشته باشد تا از گردونه رقابت و چرخه اقتصاد بین المللی حذف نشود ولی با نگاه واقع بینانه و با توجه به حجم برنامه ریزی شده و راهبرد تزریق ناامنی و توازن ضعف در خاورمیانه توسط آمریکا، باید برای استقلال و تقویت بنیادهای امنیت ملی خود، سیاست چسبندگی و وابستگی متقابل اقتصادی و خلق زنجیره ارزش منطقه ای را با کشورهای همسایه و محیط پیرامونی خود برقرار سازد و یک اقدام بنیادین در جهت خنثی سازی تاثیرات سیاست منزوی سازی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و اعمال فشارهای تحریمی در گستره و عمق زیاد توسط غرب، که متأسفانه چالش های هنجاری زیادی را در طول ۴۶ سال گذشته برای کشورمان ایجاد کرده، با هدف ممانعت از ایجاد یک نقطه فشار ساختاری و یک منبع مستقل نگرانی امنیتی جدید در منطقه اوراسیا توسط غرب انجام دهد. براین اساس، ضروری است کشورمان در هندسه جدید قدرت و در یک راهبرد منطقی، به هم افزایی های منطقه ای با هدف خلق زنجیره های ارزش منطقه ای و به تبع آن، مشارکت بنگاه

های تولیدی و تجاری کشورمان درون این زنجیره توجه بیشتری نماید. از این منظر، ایران به عنوان کشوری که در همسایگی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار دارد، با توجه به موقعیت و وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، می تواند از نقش تأثیرگذار این اتحادیه متأثر شود و خود نیز نقش اثرگذاری بر تقویت روند همگرایی منطقه ای داشته باشد. بی تردید، شرط اساسی تأثیرگذاری و بهره مندی حداکثری از این ظرفیت مهم، مستلزم سطحی از برنامه ریزی و آماده سازی ظرفیت های داخلی، در کنار مجموعه الزامات توسعه ای است. بنابراین، برای اجرای صحیح موافقت نامه تجارت آزاد لازم است ابتدا رابطه توسعه مند با اقتصاد منطقه برقراری سازیم تا در پی آن بتوانیم تجارت خود را متناسب با الزامات و اقتضائات آن شکل داده و پس از کسب آمادگی های لازم، این الگو را در چارچوب قواعد و ضوابط موافقت نامه قاعده مند نماییم و آنگاه خود را برای تضمین استمرار این الگوهای رفتاری متعهد کنیم. ازاینرو، چگونگی حضور جمهوری اسلامی ایران در تجارت آزاد با اوراسیا و پذیرش تعهدات مربوطه و انطباق آن با الزامات توسعه کشور موضوع بسیار مهمی است.

با عنایت به مطالب فوق الذکر و با توجه به امضای موافقت نامه تجارت آزاد کشورمان با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اجرایی سازی عن قریب موافقت نامه مذکور و از آنجایی که قواعد و ضوابط سازمان جهانی تجارت (به ویژه ۴ رکن اصلی و اساسی این سازمان از جمله تعمیم رفتار دولت ملی و اصل کامله الواداد و ...) بر تمامی موافقت نامه های تجارت آزاد، از جمله موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اوراسیا نافذ است، طبیعتاً برخی از موضوعات تحت پوشش و رویه های خاص مربوط به موافقت نامه مذکور، لزوماً با رویه های جاری و رایج کشور منطبق نبوده و یا اساساً فاقد سازو کارهای اجرایی مناسب می باشد. بنابراین، کشورمان برای اجرای صحیح موافقت نامه و برای منتفع شدن از منافع حاصل از آن، نیازمند بازبینی مولفه ها و رویکردهای پیشین حوزه تجارت خارجی و بازتعریف نقش تجارت و همه رویه های تجاری بر اساس شرایط جدید موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و این موافقت نامه، فرصت باز طراحی شکل نوین الگوی توسعه بلندمدت تجارت پایه و در هم تنیده با بلوک اوراسیا را به صورت بالقوه فراهم نموده، تا از این رهگذر بتوانیم با فعلیت بخشیدن به آن، سیاست های درون زایی خود را با رویکرد برون گرایی، تجارت پایه کنیم و بر این مبنا اصلاحات ساختاری انجام و سازوکارهای تجارت خارجی خود را روزآمد سازیم.

براین اساس، باز تعریف جایگاه کشور در زنجیره ارزش منطقه ای، در چارچوب ایده راهبردی توسعه کریدوری مبتنی بر تجارت آزاد، بخشی از الزامات مورد نیاز جهت بازطراحی الگوی توسعه تجارت خارجی کشور، در شرایط فعلی است. گام نخست رو به جلو، پذیرش ضرورت تغییر در راهبرد فعلی تجارت خارجی و گزینش تجارت خارجی توسعه گرا با محوریت موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا به عنوان نخستین تجربه عملی کشور در

ورود به فاز تجارت آزاد و تبیین آن در محیط داخلی و بیرونیست. در صورت تدوین و عملیاتی نمودن موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چارچوب مفهوم توسعه کریدوری و نه پروژه‌ای، می‌توان به شکل‌گیری زنجیره ارزش منطقه‌ای در منطقه اوراسیا مبادرت نمود. در واقع، تنها در چارچوب شکل‌گیری مفهوم توسعه کریدوری است که می‌توان با حوزه پیرامونی در هم تنیدگی ایجاد و از این طریق حوزه نفوذ کشور را به حوزه منافع تبدیل و ضمن ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، به توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای مبادرت نمود و موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برای نخستین بار تحقق ایده راهبردی توسعه کریدوری را در بستر تجارت آزاد فراهم نموده است. از این زوایه، می‌توان گفت رابطه تجارت پایه با منطقه اوراسیا صرفاً یک انتخاب سیاسی و از سر ناچاری نیست بلکه رابطه‌ای طبیعی و در چارچوب توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای است و با ورود کشورمان به زنجیره ارزش منطقه، تاب آوری و توانمندسازی اقتصاد کشور افزایش خواهد یافت.

با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌گردد دولت موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا را به مثابه یک پروژه ملی مطمح نظر قرار بدهد و سازمان‌ها و متولیان امر را برای اجرای صحیح آن آماده و ذیل این موافقت‌نامه، تعاریف، ساختار و مأموریت تازه‌ای ترسیم شود تا بتوان در یک بازه فرآیندی و با اتخاذ رویکرد تجارت خارجی توسعه‌گرا (مبتنی بر تجارت آزاد کریدور پایه) جزیی از یکپارچگی پهنه اوراسیا مبدل و ضمن منتفع شدن از قبل این همکاری، ضریب ریسک سیاسی- امنیتی خود را بهبود و ارتقاء بخشید. برای تحقق چنین شرایطی، ضروری است جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌گذاری کلان، روابط خود با همسایگان شمالی عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و با تکیه بر موافقت‌نامه تجارت آزاد امضا شده، تنظیم و بازآرایی نموده و در پی آن نظم اقتصادی جدیدی در محیط داخلی و پیرامونی شکل و طرحی نو در حوزه تجارت خارجی دراندازد چرا که اساساً حیات و طراوت منوط به نوآوری است و موافقت‌نامه تجارت آزاد از چنین ظرفیتی برای نوآوری در حوزه تجارت خارجی برخوردار است و تحقق آن نیز مستلزم رفع موانع تجارت آزاد در داخل کشور است.

بر این اساس، گزارش پیش رو، با یک نگاه منظومه‌ای، درصدد ارائه راه‌حلهایی در سطح تحلیل کلان است تا زمینه را برای تهیه و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی موافقت‌نامه موصوف (سطح خرد) در دو حوزه ملی و استانی فراهم و سپس از سوی هیئت محترم دولت، برای اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ و برای نظارت بر حسن اجرای آن، نهاد تنظیم‌گر بالادستی، ایجاد یا نهاد موجود به روز رسانی شود.

متن گزارش

امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و متعاقبا، تصویب آن در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲ نگارنده سطور را بر آن داشت تا به دلیل اهمیت موضوع و حسب وظیفه اخلاقی و اداری و نیز به پشتوانه انباشت تجارب حاصل از حضور غیر مستقیم و مستقیم در فرآیند مذاکرات و روند اجرایی سازی موافقت نامه موقت تجارت آزاد و عضویت در کارگروه های ملی موانع فنی فراراه تجارت، قواعد مبدا، بهداشت دامی و گیاهی، امور گمرکی و مقررات استاندارد مربوط به اجرای موافقت نامه تشکیل منطقه آزاد تجاری فی مابین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بازه زمانی ۱۳۹۸ لغایت ۱۴۰۰ و نیز با توجه به آغاز فرآیند اجرایی سازی موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ که طی آن در نظر است با وقوع تحولی بنیادین در حوزه تجارت خارجی کشور، تعداد شش هزار قلم کالا با کد HS هشت رقمی (نه هزار قلم کالا با کد HS ده رقمی طرف اوراسیایی) برای نخستین بار صفر شود، نقطه نظرات و دیدگاه های خود را جهت اجرای صحیح و ثمر بخش موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در معرض نقد و نظر مخاطبین فرهیخته قرار دهد. اما پیش از ورود به مساله، خلاصه ای از تاریخچه و روند مذاکرات تجارت آزاد ایران با اتحادیه موصوف به شرح ذیل معروض می دارد:

از اواخر سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۳۹۶ بیش از ۷ دور مذاکرات درخصوص امضای موافقت نامه موقت تجارت آزاد جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا فی مابین معاونین وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی کشورمان با وزیر تجارت اتحادیه اقتصادی اوراسیا برگزار شد. این مذاکرات حول سه رکن به شرح: سند موافقت نامه، فهرست کالاهای صنعتی و فهرست کالاهای کشاورزی صورت گرفت که هر سه رکن نهایی و نهایتا موافقت نامه موقت تجارت آزاد توسط جناب آقای شریعتمداری، وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت به عنوان نماینده کشورمان با مقامات ذیربط و اعضای اتحادیه اوراسیا در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در آستانه پایتخت جمهوری قزاقستان امضاء گردید و این موافقت نامه موقت تجارت آزاد، از تاریخ ۵ آبان ماه ۱۳۹۸ رسماً اجرایی گردید. موافقت نامه موقت تجارت آزاد مشتمل بر ۳۶۰ قلم کالا با کد HS هشت رقمی با فهرست امتیازات اعطایی ایران به اوراسیا، در مقابل فهرست امتیازات اعطایی اوراسیا به ایران شامل ۵۰۲ قلم کالا با کد HS ده رقمی بود که این تعداد اقلام بعد از هماهنگ سازی کد کالایی دچار تغییراتی گردید و افزایش یافت. وفق توافق حاصله مقرر گردید سه سال بعد از اجرایی شدن موافقت نامه موقت و طی دوره گذار تطابق ساختار و استانداردها، مذاکرات برای تبدیل آن به موافقت نامه تجارت تمام عیار آزاد با اتحادیه اوراسیا تداوم و یا در غیر این صورت ملغی گردد.

در جریان سفر جناب آقای دکتر اردکانیان وزیر نیرو و رئیس وقت کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی و تجاری ایران و روسیه و با همراهی نگارنده سطور و مشاور رئیس سازمان توسعه تجارت در امور توافق نامه های بین المللی به سنت پترزبورگ در خرداد ماه سال ۱۴۰۰ و ملاقات با آقای میاسنیکویچ و اسلپنیف دبیر کل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و وزیر تجارت اتحادیه موصوف، طرفین توافق نمودند تا پایان سال مذکور ۹ نشست مذاکراتی شامل ۳ دور مذاکره با حضور همه اعضای اتحادیه و ۹ دور مذاکره بین سرتیم های مذاکراتی در چارچوب موافقت نامه تجارت تمام عیار آزاد با اتحادیه اوراسیا انجام دهند. با تداوم مذاکرات نهایتاً موافقت نامه تجارت آزاد (شامل ۸۷ درصد اقلام کالایی) جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه موصوف در تاریخ ۴ دی ماه ۱۴۰۲ در شهر سنت پترزبورگ به امضای جناب آقای عباس علی آبادی وزیر وقت صمت و معاونان نخست وزیر ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا (روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان) رسید و متعاقباً و در فواصل زمانی مختلف به امضای مجالس کشورهای فوق الذکر و در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲ نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

پس از گذری شتابان بر تاریخچه روند مذاکرات مربوط به موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و در راستای ترسیم گام های بعدی با تمرکز بر بهره مندی از منافع موافقت نامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نظر داشت نکات ذیل به عنوان پیش درآمد و مدخل ورودی بحث، تحت عنوان **"جایگاه موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری چند جانبه در نظام اقتصاد بین الملل"** حائز اهمیت به شمار می رود:

۱- ظرف چند دهه گذشته، در نظام اقتصاد بین الملل و ذیل پدیده جهانی شدن ۴ چند متغیر کلان اقتصادی، چرخه اقتصاد جهانی را به شدت متأثر نموده است. ۱- ظهور زنجیره های ارزش جهانی (شامل شبکه ای زنجیروار از ارزش افزوده، تقطیع تولید و هزاران نوع از همکاری در سطح جهانی) ۲- ظهور زنجیره های ارزش منطقه ای ۳- ظهور سازمان جهانی تجارت (با هدف ایجاد هماهنگی بین کشورهای مختلف در راستای کمک به تسهیل مبادلات تجاری و حل و فصل اختلافات و مناقشات تجاری) ۴- موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری چند جانبه و بین المللی (قائل شدن سهم بیشتری برای تجارت درون منطقه ای یا مناطق مجاور و افزایش تجارت درون منطقه ای ای به واسطه ادغام منطقه ای و تجمیع منابع و توانمندی ها)

۲- متعاقب ظهور زنجیره های ارزش جهانی و منطقه ای، خدمات مواد خام، اجزا و قطعات بارها از مرزها عبور می کنند و پس از به کارگیری در تولید محصولات نهایی برای مصرف کنندگان در سراسر جهان ارسال می شوند، بنابراین همچنان که فرایند تولید در مناطق مختلف جهان پراکنده و تقطیع شده است، صادرات از یک کشور به کشور دیگر نیز اغلب شامل تعاملات پیچیده میان تامین کنندگان داخلی و خارجی است. به عنوان مثال یک کت و شلوار تولید شده در جنوب شرق آسیا، شامل عناصر طراحی لباس، مواد اولیه، دوخت

و دوز، تولید دکمه و زیپ شلوار در کشورهای مختلف صورت پذیرد و هر یک از کشورهای مشارکت کننده ارزشی به زنجیره افزوده‌اند و از صادرات محصول نهایی سود می‌برند.

۳- فرآیند جهانی شدن اقتصاد که حاصل توسعه کمی و کیفی فعالیت‌ها و تعاملات اقتصادی جوامع در طول قرون متمادی است، به حدی توسعه یافته که خود به عامل تشویق و تحریک کشورهای جهان برای ایفای نقش فعالی در این عرصه گردیده است. به استناد برخی آمارهای منتشره، در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی از طریق سازمان جهانی تجارت انجام می‌شود و ضوابط و قواعد این سازمان بر تجارت بین‌المللی نافذ گردیده است. علاوه بر آن و ذیل چتر سازمان جهانی تجارت، حدود ۷۰ درصد تجارت بین‌المللی از طریق موافقت‌نامه‌ها و ترتیبات تجاری دوجانبه، چند جانبه و بین‌المللی انجام می‌شود. این مساله، باعث شکل‌گیری زنجیره ارزش جهانی شده و ذیل این زنجیره، کشورهای جهان به دلایل مختلف فنی و برای اینکه بتوانند سهم بیشتری از کیک اقتصاد جهانی برداشت کنند و عایدات ارزی آنها بیشتر شود، به سمت ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای نیز گام برداشته‌اند تا از این طریق بتوانند با اتکا به الگوی مسلط رقابت و رقابت‌پذیری اقتصاد جهانی، قدرت رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی خود را افزایش دهند. بنابراین، امروزه قریب به اتفاق کشورهای جهان از جمله کشورهای منطقه یا عضو ترتیبات منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و یا عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند و یا در حال طی کردن فرایند الحاق به آن هستند. این کشورها در روابط دوجانبه و منطقه‌ای خود متعهد هستند که از الگوها و قواعد اقتصادی و تجاری سازمان جهانی تجارت تبعیت نمایند و نمی‌توانند با کشورهای خارج از این سازمان وارد توافقات اقتصادی و تجاری گردند. این بدان معناست که کشورهای عضو WTO در چارچوب این سازمان و یا در چارچوب توافق‌نامه‌ها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای، به مرور زمان تسهیلات تجاری درون سازمانی ایجاد و متعاقباً برای کشورهایی که خارج از سازمان جهانی تجارت و ترتیبات تجاری منطقه‌ای هستند موانع تجاری بیشتری وضع می‌کنند و عملاً دسترسی این کشورها به مزیت‌های رقابتی زنجیره ارزش جهانی و منطقه‌ای محدود و محدودتر می‌شود. فرآیند فوق، بیانگر این واقعیت است که روند جهانی شدن اقتصاد، روز به روز در حال گسترش بوده و امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. دراین رهگذر و بنابر ضرورت راهبردی اجتناب‌ناپذیری فرآیند جهانی شدن اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران ناگزیر است که از منظر کمک به **رقابت‌پذیری اقتصاد ملی** و با هدف بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصاد جهانی، الگوهای تجاری خود را با قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت منطبق گرداند و از این امکانات در جهت تحقق راهبرد توسعه صادرات، در کنار سایر الزامات توسعه‌ای بهره‌گیری نماید. علیرغم این واقعیات، اما متأسفانه طی سالیان گذشته، به دلیل راهبرد تهدید نگر بلوک غرب توأم با اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشور عزیزمان از یک طرف و سیاست‌های ناصحیح کشور در دو سطح اقتصاد کلان و خرد از سوی دیگر

باعث شده نحوه بهره‌گیری کشورمان از فرصت‌های اقتصاد جهانی و منطقه‌ای با چالش مواجه و روز به روز از زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای کنار گذاشته شویم و سهم‌مان از اقتصاد جهانی و حتی منطقه‌ای کاهش و رشد اقتصادی کشور با کندی مواجه شود. در چنین شرایطی، موافقت‌نامه تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بارقه‌امیدی برای ضابطه‌مند نمودن تجارت خارجی کشور و زمینه‌ای برای برقراری رابطه توسعه‌مند حداقل با یکی از زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای مهیا نموده است.

۴- کشورهای جهان برای کاهش مخاطرات ناشی از بی‌ثباتی‌های سیاسی در سطح جهانی، منازعات بین‌المللی، افزایش پیش‌بینی نشده هزینه‌های تولید و حمل و نقل و نیز جلوگیری از وقفه‌ها و تکانه‌های ناگهانی در زنجیره‌های تجاری فرامنطقه‌ای، به سمت تشکیل زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای با تکیه بر افزایش تجارت درون منطقه‌ای یا مناطق مجاور و از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد ترغیب گردیده‌اند. طبق اعلام سازمان جهانی تجارت، تعداد موافقت‌نامه‌های امضا شده در سال ۱۹۹۰ میلادی ۷۰ مورد و در سال ۲۰۲۴ میلادی بیش از ۶۵۰ مورد ثبت شده است که این امر گویای تمایل کشورها جهت تسهیل تجارت از طریق رفع موانع تعرفه‌ای است. در چارچوب تشکیل زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، بخش عمده فعالیت‌های تولیدی، تجاری و خدمات در منطقه، در زنجیره ارزش منطقه‌ای که به لحاظ محدوده جغرافیایی و عملیاتی بر یک مقیاس منطقه‌ای متمرکز است انجام می‌شود و موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود.

چرایی اهمیت موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

۱- اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل ۵ کشور (روسیه، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان) بوده و عضویت کشورهای تاجیکستان و ازبکستان نیز در دستور کار این اتحادیه قرار دارد. در حال حاضر، عضویت صرفاً شامل کشورهای مشترک المنافع بوده و خارج از آن، عضویت سایر کشورهای از جمله ایران مطرح نیست. در عین حال، حدود ۴۰ کشور در فرآیند امضای موافقت‌نامه مذکور با اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند که ایران دومین کشور بعد از ویتنام موفق به امضای موافقت‌نامه موقت گردید و اکنون نیز در آستانه اجرایی شدن قرارداد تجارت آزاد تمام عیار فی مابین است.

۲- تعامل با اقتصاد جهانی از منظر اسناد بالادستی تایید و رگه‌هایی از آن به چشم می‌خورد و هر کدام از آن اسناد به اقتضا و فراخور خود، به تلویح یا تصریح و به درستی به این مطلب پرداخته و بعضاً مورد تأکید قرار داده‌اند. چنانچه در مطلع اصلی سند چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ چنین آمده است. "ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در

جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل " بدیهی است تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه، مستلزم تعامل و ارتباط فعال با کشورهای منطقه است. لازمه این تعامل فعال نیز برقراری روابط اقتصادی و تجاری نهادینه با کشورهای منطقه و لزوم تبعیت از الگوها، قواعد و رفتارهای تجاری مورد توافق و شناخته شده است. از اینرو، بند ب ماده ۱۰۱ قانون برنامه هفتم توسعه، وزارت امور خارجه را مکلف به انعقاد و تعمیق موافقت نامه تجارت ترجیحی و آزاد با کشورهای هدف کرده است هرچند انعقاد این قبیل موافقت نامه ها در چارچوب وظایف وزارت صنعت، معدن و تجارت است ولی این امر، بیانگر اهمیت موضوع تجارت آزاد و جایگاه آن در سامان بخشی به نظام تجارت منطقه ای آتی کشور است.

۳- با امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری است که بعد از جنگ جهانی دوم و تحت شدید ترین تدابیر تحریمی، موفق به ورود به فاز تجارت آزاد می شود.

۴- موافقت نامه موصوف، اولین تجربه کشورمان در توافق با یک اتحادیه اقتصادی برای ورود به فاز تجارت آزاد است و کامل ترین و مفصل ترین موافقت نامه تجاری جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. در عین حال موافقت نامه مذکور، با توجه به شواهد و قرائین موجود، شاید آخرین فرصت کشور در شرایط فعلی، برای ورود به فاز تجارت آزاد و به تبع آن کمک به رقابت پذیری اقتصاد ملی است.

۵- امضای موافقت نامه تجارت آزاد بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد ایران به سطح جدیدی از همکاری های اقتصادی منطقه ای وارد و بدین طریق زمینه برای پیوند و درهم تنیدگی اقتصاد ایران با اقتصاد منطقه فراهم خواهد شد. در صورت تحقق این مهم یکی از گام های اساسی پیگیری سیاست "ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهای منطقه" محقق و در پی آن، ضریب ریسک سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران ارتقاء خواهد یافت.

۶- مدل های ۵ گانه تعامل و سطوح همگرایی اقتصادی در جهان عبارتند از: ۱- توافق نامه های تجارت ترجیحی ۲- توافق نامه های تجارت آزاد ۳- اتحادیه گمرکی ۴- بازار مشترک و ۵- اتحادیه اقتصادی. موارد یک و دو جزو درجات همگرایی کم عمق اقتصادی و موارد ۳، ۴ و ۵ جزو درجات همگرایی عمیق اقتصادی در جهان محسوب می شود. امضای موافقت نامه تجارت آزاد جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران را از سطح اول تعامل اقتصادی (پایین ترین سطح تعامل و سطوح همگرایی اقتصادی در جهان) به سطح دوم از سطوح ۵ گانه فوق الذکر منتقل می نماید. با این انتقال و ارتقاء، فاصله کشورمان با درجات همگرایی عمیق اقتصادی در سطوح جهانی، همچنان بالاست و باید برای آن چاره اندیشی شود.

۷- با توجه به تصویب موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اولین بار است که کشورمان دارد وارد فاز تجارت آزاد می شود و در نظر است تعرفه تجاری ۸۷ درصد اقلام کالایی ایران (حدود شش هزار قلم کالا، با کد HS هشت رقمی و حدود نه هزار قلم کالا با کد HS ده رقمی برای طرف اوراسیایی)، صفر شود. لذا موضوع فوق العاده مهمی در حوزه تجارت خارجی کشور در شرف وقوع است و همانطور که پیشتر اشاره شد، از این پس جمهوری اسلامی ایران، لاجرم می بایست واجد دو نوع رژیم تجاری شود. یک رژیم تجاری خاص موافقت نامه و در ارتباط با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و یک رژیم تجاری با بقیه کشورهای دنیا و این یعنی لزوم برنامه ریزی دقیق و ظرفیت سازی داخلی برای اجرای صحیح موافقت نامه تجارت آزاد فی مابین کشورمان با اتحادیه اقتصادی اوراسیا. طبعاً، نقش حیاتی حکمرانی در به رسمیت شناختن و پذیرش الزامات و اقتضائات تجارت آزاد و کارآمد سازی موثر موافقت نامه و طراحی و پیشبرد رژیم تجاری خاص موافقت نامه بسیار مهم است. بنابراین باتوجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می گردد دولت این مهم را به مثابه یک پروژه ملی مطمح نظر قرار بدهد و سازمان ها و متولیان امر را برای اجرای صحیح آن آماده نماید. درواقع، در پی تصویب موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط مجلس شورای اسلامی و متعاقباً بعد از تایید شورای نگهبان و دولت و مجوز ارسال یادداشت رسمی از سوی سفارت جمهوری ایران در مسکو به دبیرخانه اتحادیه مذکور، عملاً کمتر از یک ماه تا زمان اجرای موافقت نامه تجارت آزاد، فرصت باقی است و طی این مدت زمان کوتاه بایستی خود را از جهات مختلف جهت اجرای صحیح موافقت نامه آماده نمود. تمرکزسازی اقدامات مورد نیاز و تجمیع کلیه ظرفیت های پراکنده، سیاست گذاری هماهنگ و اجرای یکپارچه موافقت نامه و نهایتاً تدوین و پیشبرد یک راهبرد ملی و هماهنگ در ارتباط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بخشی از الزامات بهره مندی حداکثری از منافع موافقت نامه تجارت آزاد محسوب می شود.

۸- با امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و صفر شدن تعرفه گمرکی ۸۷ درصد اقلام کالایی، عملاً بار و سنگینی تجارت خارجی کشور از روی موانع تعرفه ای برداشته و بر دوش موانع غیر تعرفه ای انباشت می گردد. لذا برای تسهیل تجارت با منطقه اوراسیا می بایست موانع غیر تعرفه ای و در صدر آنها موانع لجستیکی با هدف روان سازی تجارت، چاره اندیشی و مرتفع گردد.

۹- متأسفانه روابط اقتصادی ایران با روسیه (به عنوان مهمترین کشور و دارای وزن اول در اتحادیه اقتصادی اوراسیا) به اندازه کافی پیوسته و محکم ارزیابی نمی گردد و الزاماً نمی توان انتظار داشت روابط اقتصادی میان ایران و روسیه به یکباره به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کند چرا که اساساً زیرساخت های لازم برای

آن ایجاد نشده و ایجاد آن زیرساخت‌ها نتیجه کارهای کوتاه مدت و یا حتی میان مدت نیست. در واقع، با آسیب شناسی روابط ایران و روسیه در شرایط بعد از بحران اوکراین با تکیه بر چرایی حرکت بطئی رشد مناسبات تجاری ایران و بالعکس رشد جهشی مناسبات تجاری چین و ترکیه با این کشور، می توان به این نتیجه رسید که علت موفقیت هر دو کشور فوق الذکر در توسعه تصاعدی مبادلات تجاری با روسیه بعد از شروع بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و به ویژه بعد از جنگ بین دو کشور مذکور، این است که اقتصاد چین و ترکیه، "تجارت پایه" است و از زیرساخت‌های لازم و الزامات و اقتضائات "نظام تجارت محور" برخوردار هستند. در حالیکه ایران، اساسا کشوری است خود مرجع و خود متکی و به دلیل اتخاذ سیاست راهبردی خودبستگی اقتصادی، فاقد ساختارها، اقتضائات و سازوکارهای مناسب برای درهم تنیدگی اقتصادی با دیگر کشورها و پیگیری و عملیاتی سازی الزامات آن بوده و هست و همچنانکه پیشتر نیز اشاره شد، اساسا یکی از علت های بنیادین ناهمسانی اقتصادی کشورمان با کشورهای منطقه و نیز عدم توفیق کشورمان در کسب جایگاه مهم در ساختار اقتصادی نظام بین الملل و حتی منطقه، علاوه بر تحریم ها همین امر است. لذا با درنظر داشت این مهم، اکنون نیازمند بازطراحی الگوی توسعه تجارت خارجی کشور، در شرایط فعلی و در ارتباط با اوراسیا به طور اعم و روسیه به طور اخص هستیم و موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا، بستر چنین بازطراحی را به طور بالقوه، در یک جغرافیای منطقه ای محدودتر و کم مخاطره تر فراهم نموده است.

۱۰- از آنجایی که توانایی حضور موثر در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای برای بسیاری از کشورهای جهان به ویژه اقتصادهای در حال توسعه، عاملی حیاتی برای توسعه به شمار می‌رود؛ لذا امروزه، پیوستن به موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری، یکی از شاخص های حضور در بازارهای جهانی تلقی شده و به قرار گرفتن کشورهای عضو در تراز تجارت جهانی کمک می کند. از این نظر جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد با عقد توافق نامه های تجاری نسبت به فراهم سازی زمینه لازم برای مشارکت بنگاههای اقتصادی ایرانی در طول زنجیره جهانی و منطقه ای ارزش را فراهم نماید. اما از آنجایی که کشورمان به دلیل تحریم های ظالمانه، سالیان متمادی است از ورود موثر به زنجیره ارزش جهانی محروم مانده، ورود به زنجیره های ارزش منطقه ای ضرورت پیدا می کند. با درنظر داشت این مهم، می توان گفت: امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، حرکتی کاملا هوشمندانه و هم جهت با روند کنونی اقتصاد جهانی و اولین اقدام جدی و گام عملی در خلق زنجیره ارزش منطقه ای محسوب می گردد و با اهداف توسعه کشور، مصرح در اسناد بالادستی، منطبق و اقدامی در تقابل با سیاست های تحریمی آمریکا قلمداد می گردد. درواقع و از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تحدید خود و برای خارج شدن از محاصره طراحی شده توسط غرب جایگزین های کمی دارد، لذا موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت مغتنمی است که کشورمان خود را حداقل

در یکی از زنجیره های ارزش منطقه ای به صورت پایدار وارد و از نقطه قابل بازگشت عبور دهد. این امر، مستلزم شکل گیری نوع جدیدی از رابطه با کشورهای پیرامون ایران و جانمایی توسعه ای ایران در منطقه اوراسیاست.

۱۱- با توجه به عضویت حدود ۱۵ ساله روسیه در سازمان جهانی تجارت و نیز انعقاد موافقت نامه تجارت آزاد توسط این کشور با ۱۱ کشور و اتحادیه اقتصادی، سبب شده است تا رقابت ورود به بازار روسیه نسبت به دیگر کشورهای همسایه سخت تر صورت بگیرد. با عملیاتی سازی موافقت نامه تجارت آزاد و رفع موانع تعرفه ای دسترسی تجار ایرانی به بازار گسترده واردات محور روسیه تسهیل می گردد. درواقع، از چهار بازار ۲۰۰ میلیارد دلاری در منطقه، تنها دسترسی به یکی از این بازارها (روسیه با واردات ۲۵۰ میلیارد دلاری) در قالب تجارت آزاد فراهم شده و فعلا چشم اندازی برای تجارت آزاد با مناطق دیگر و نیز سایر زنجیره های ارزش منطقه ای فراهم نیست و لذا باید قدر آن به عنوان یگانه فرصت فرارو، بیشتر دانسته شده و برای آن برنامه ریزی اساسی و کارکردی نمود.

۱۲- بنگاه های تولیدی کشورمان قادر به تولید مستقل در بسیاری از زمینه ها هستند ولی چون این تولیدات در درون مرزها شکل گرفته و از محیط رقابت جهانی و منطقه ای دور بوده اند، لذا آنها توان چندانی در رقابت های جهانی و برخورداری از مزیت رقابتی در مناطق دور دست را ندارند. از سوی دیگر و از آنجایی که سیستم منشوری بین المللی به رهبری آمریکا اجازه ورود موثر بنگاه های تولیدی و تجاری ایران به چرخه زنجیره ارزش جهانی را نداده و نمی دهد و همچنین از ورود ایران به WTO ممانعت می کند، لذا تنها راه میانبر برای کشورمان، ورود به زنجیره های ارزش منطقه ای است که به تبع آن زمینه ورود بنگاه های تولیدی و تجاری کشورمان در طول این زنجیره فراهم آید. همچنین با توجه به برتری ژئوپلیتیک ایران در اتصال به زیر سیستم های اقتصادی و کریدوری، ادغام و اتصال اقتصادی ایران با منطقه اوراسیا، به عنوان منبعی برای کسب آزمون و تجربه پدیده های جهانی شدن در یک مقیاس منطقه ای محدودتر، می تواند راه ورود به اقتصاد جهانی را هموارتر کند.

۱۳- در وضعیت شبکه ای و به هم تنیده فعلی روابط و تجارت بین الملل، موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا به صورت بالقوه شرایط، ظرف و بستر مناسبی پیش روی توسعه تجارت خارجی کشور در جغرافیای یک زنجیره ارزش منطقه ای نوپا، فراروی کشورمان قرار می دهد. موافقت نامه موصوف، فضا و بستری است تا بتوان با یک برنامه ریزی مدون و با نقش آفرینی بجا، کشور را در عرصه تجارت منطقه ای، در تعامل صحیح و عقلانی با محیط پیرامون خویش قرار داده و روابط دوجانبه با اتحادیه موصوف را از پیوست اقتصادی قوی و وابستگی و پیوستگی نرم اقتصادی برخوردار و بهره مند نمود. درواقع، موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی

اوراسیا، ظرفیت جابجایی یا ایجاد نظم ساختاری تجاری برای کشور در محیط پیرامونی را دارد و فرصت مغتنمی است برای حکمرانی کشور تا موازنه ضعیف کشورمان با منطقه اوراسیا را به موازنه پایدار و قاعده مند تبدیل و به واسطه ادغام و اتصال اقتصادی منطقه ای، راه ورود کشورمان به اقتصاد جهانی را در آینده هموارتر نماید. از این جهت، این موافقت نامه در صورت اجرای صحیح، ظرفیت جبران بخشی از جدایی ایران از بازارهای جهانی در قالب تجارت آزاد منطقه ای را داراست. کافی است با اتخاذ یک رویکرد عملگرایانه مناسب، کشورمان به نقطه اتصال انتقال کالا، سرمایه و انرژی در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب تبدیل شود. موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اوراسیا بستر چنین هدفی را به صورت بالقوه فراهم نموده و می تواند برای به فعلیت رساندن، اولین گام عملگرایانه جدی برای تحقق هدف فوق الذکر مد نظر نظام سیاستگذاری و حکمرانی کشورمان قرارگیرد.

۱۴- از آنجایی که غالب کشورهای جهان سعی کرده اند از طریق ادغام در موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری منطقه ای و بین المللی، قوانین و قواعد تجاری شان را باهم هماهنگ و یکسان و با ایجاد زبان مشترک تجاری، ریسک مبادله تجاری با یکدیگر را به حداقل ممکن کاهش داده اند؛ لذا پیش نیاز ورود به پیمان های اقتصادی منطقه ای، هماهنگ سازی قوانین و مقررات و سازوکارها و به عبارت دیگر تعریف زبان مشترک تجاری است.

۱۵- همچنانکه پیشتر اشاره شد، در حال حاضر ۹۶ درصد تجارت جهانی از طریق WTO انجام می شود و ضوابط و قواعد این سازمان بر تجارت بین الملل نافذ و جاری است. از سوی دیگر و در چارچوب زنجیره ارزش جهانی، کشورها برای اینکه بتوانند سهم بیشتری از کیک اقتصاد جهانی برداشت کنند و عایدات ارزی آنها بیشتر شود به سمت خلق زنجیره های ارزش منطقه ای حرکت کرده تا بتوانند قدرت رقابت پذیری خود را افزایش دهند و از آنجایی که قواعد و ضوابط کلیه موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری چند جانبه از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا برگرفته از قوانین و ضوابط سازمان جهانی تجارت (WTO) است و قوانین این سازمان بر آنها و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نافذ و جاری است، لذا موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می تواند مدل کوچک آزمایشی برای عضویت آتی ایران در سازمان جهانی تجارت و ورود به سایر ترتیبات تجاری چندجانبه مد نظر قرار گیرد تا به تدریج ضمن همسان سازی و انطباق ساختار در درون نظام تجارت آزاد، کشورمان خود را برای ورود به آن و سایر موافقت نامه های تجارت آزاد آماده و تجهیز کند. به عبارت دیگر، با اتکاء بر این موافقت نامه، می توان به تدریج با ضوابط و الگوهای تجاری بین المللی همزیستی بیشتری داشته و زیست فرامرزی خود را در کنار توجه به زیست بومی ارتقاء داد.

۱۶- موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصاد اوراسیا، بستر آزمایشی مناسب و محک خوبی برای تقویت ساختار اقتصادی کشور در رسیدن به استانداردهای مورد نظر سازمان جهانی تجارت در چارچوب عضویت

احتمالی کشورمان در این سازمان، تنظیم قواعد موثر در حمایت از فرایند تواناسازی کشور در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و نیز پیوند تدریجی و مرحله‌ای کشورمان برای ادغام احتمالی آتی در اقتصاد جهانی و محیط عملی برای سیاست مشخص دولت برای هماهنگی فعالیت‌ها و ترتیبات در محیطی بزرگتر تعریف می‌شود. واقعیت اینکه برای ورود به سازمان جهانی تجارت نه کشورمان آمادگی لازم دارد و نه نظام بین‌الملل به رهبری آمریکا چنین اجازه‌ای را برای ورود ما به این سازمان می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به اینکه تجارت آزاد وجه قالب اقتصاد بین‌الملل است و کشورهای جهان در این چارچوب با یکدیگر به تجارت می‌پردازند و برای یکدیگر تسهیلات تجاری ایجاد و برای کشورهای خارج از این مجموعه موانع متعدد تجاری ایجاد کرده‌اند؛ لذا موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا تجربه خوبیست که کشورمان در یک مقیاس منطقه‌ای محدودتر و کم خطرتر بتواند قواعد و مقررات تجاری خود را با نظام تجارت آزاد در یک مقیاس منطقه‌ای به محک تجربه، آزمایش، همسان سازی و انطباق ساختار بگذارد.

۱۷- از آنجایی که در اسناد بالادستی اصلی‌ترین راهبرد حاکم بر سیاست‌های اقتصادی کشور طی سال‌های آتی بر محور توسعه صادرات و حرکت در مسیر الگوی رقابت پذیری و اصلاح سیاست‌های داخلی متناسب با این هدف قرار گرفته است و از سوی دیگر رقابت و رقابت پذیری و کاهش موانع تجاری و دسترسی آزادانه به بازار با تعرفه صفر درصد گمرکی، مهم‌ترین رکن و اصلی‌ترین کارکرد موافقت نامه تجارت آزاد است، امضای این موافقت‌نامه به معنای پذیرفتن الگوی رقابت و رقابت پذیری در فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین با توجه به نقش بسزای **عنصر رقابت** در بستر تجارت، کشورمان نیز لاجرم بایستی موارد فوق را در برنامه‌های اقتصادی و تجاری خود لحاظ و خود را برای ورود به رقابت تجاری منطقه ای آماده کند.

۱۸- موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی می تواند در نقش یک عامل تعیین کننده برون زای

رشد اقتصادی کشور عمل نماید. بدیهی است، در صورتی که بخواهیم بر مهمترین چالش جمهوری اسلامی ایران در پنجمین دهه عمر خود یعنی مشکلات حاد اقتصادی به طور ناگهانی و جنبشی و نه به طور بطئی و آهستگی غلبه کنیم، لاجرم باید از یک عامل تعیین کننده درون زا یا برون زای رشد اقتصادی استفاده کرد و از آنجایی که حسب قرائن، متأسفانه عامل درونزای رشد اقتصادی فعلاً وجود ندارد؛ لذا باید از یک عامل برون زای رشد اقتصادی استفاده کرد. تجارت آزاد ایران با اوراسیا به دلیل همسان بودن قوانین و مقررات آن با سازمان جهانی تجارت، بستر چنین عاملی را به طور بالقوه فراهم می‌نماید. درواقع، سازمان جهانی تجارت به دلیل یکسان سازی قواعد و ضوابط تجاری و ایجاد زبان تجاری مشترک و به ویژه نافذ نمودن چهار اصل اساسی "دولت کاملاً الوداد، اصل تعمیم رفتار ملی، اصل حمایت از تولیدات داخلی صرفاً از طریق تعرفه ها و

اصل ممنوعیت اعمال محدودیت‌های کمی و مقداری" در بین اکثریت غالب کشورهای جهان، مهمترین عامل تعیین کننده رشد برون زای اقتصادی در سطح جهانی است ولی از آنجایی که ایران طی سالیان گذشته به دلیل ممانعت آمریکا از فرصت ورود به سازمان جهانی تجارت محروم مانده است، و نیز از آنجایی که قواعد و ضوابط سازمان جهانی تجارت بر کلیه موافقت‌نامه‌ها و ترتیبات تجاری چند جانبه و بین‌المللی از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا نافذ است، لذا می‌توان موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه مذکور را به عنوان یکی از عامل‌های تعیین کننده برونزای رشد اقتصادی در نظر گرفت و بر مبنای آن به اصلاح ساختار تجارت خارجی کشور مبادرت نمود. این موضوع، به دلیل پذیرش نظام تجارت آزاد از سوی کشورمان و لزوم اتخاذ ناگزیر الگوی اقتصادی "رقابت و رقابت پذیری" و اصلاحات ساختاری متکی بر آن، می‌تواند بستر مناسبی برای آسیب شناسی و عارضه یابی جامع تر و دقیق تر مشکلات کلان حوزه تجارت خارجی کشور فراهم و به تبع آن، راه حل های سیستماتیک از جمله اصلاح و بهبود فرآیندها نیز هموار نماید. نکته تکمیلی بحث اینکه اگرچه پایه‌های جهانی شدن اقتصاد با برخی اقدامات آمریکا از جمله رویکرد یکجانبه گرایانه و ستیزه جویانه ترامپ در برابر همسایگان، جنگ تجاری و تعرفه‌ای با چین و اتحادیه اروپا، مکزیک و کانادا، نقض موازین و مقررات بین‌المللی و خروج از ساختارهای بین‌المللی همچون پیمان اقلیمی پاریس و سازمان جهانی بهداشت، بی اعتبار کردن نهادهای تجاری بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت و ایده تجارت آزاد با وضع تعرفه‌های یک جانبه، تحریم روسیه به عنوان بزرگترین کشور عضو سازمان جهانی تجارت و غیره بر هم خورده اما بنیاد و چارچوب این ساختارها همچنان استوار و پابرجا بوده و مبنای عمل غالب کشورهای جهان است. ناگفته نماند با استناد به اقدامات یکجانبه گرایانه و ستیزه جویانه ترامپ و نیز به دلیل انباشت عدم قطعیت‌ها، پیش بینی می شود زنجیره های تامین، به تدریج امنیتی- محلی شده و به سمت منطقه گرایی تمایل بیشتری سوق یابد. لذا در این شرایط، می‌توان با استفاده از ساختارهای موجود به توسعه تجارت با کشورهای همسایه به ویژه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا مبادرت نمود و از نردبان آن بالا رفت و از عواید آن بهره برد

۱۹- متأسفانه به دلیل عدم تنوع تولیدی و صادراتی و محروم ماندن کشورمان از ورود به زنجیره ارزش جهانی و زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و به تبع آن، تعامل محدود با طرف‌های تجاری، روابط تجاری کشورمان در مقیاس تجارت جهانی بسیار اندک است. بر این اساس، تصویر تجارت خارجی کشور، نوید بخش چشم انداز روشنی از درآمد های ارزی و شرکای تجاری کشور نیست و این بخش با چالش های جدی مواجه است. مطابق آمار منتشره از سوی بانک مرکزی، در سال ۱۳۸۳، حدود ۸۰ درصد صادرات کالایی کشورمان به ۲۱ کشور انجام می شد اما این تعداد، در سال ۱۴۰۱ به ۷ کشور تنزل یافته است. از سوی دیگر، مطابق آمار دیگر منتشره از سوی بانک مرکزی، در سال ۱۳۸۳ حدود ۶۰ درصد صادرات غیرنفتی کشورمان به ۲۱ کشور از جمله امارات،

هند، آلمان، ایتالیا، چین، ژاپن، عراق، جمهوری آذربایجان، عربستان، افغانستان و ... انجام می شد ولی این تعداد در سال ۱۴۰۲ به ۳ کشور (چین، عراق و امارات متحده) تنزل یافته است. این امر بیانگر این واقعیت است که متأسفانه سیاست های تجاری کشورمان، عمدتاً با شرکای مستقیم تجاری مثل عراق، افغانستان، چین و امارات تدوین و عملیاتی شده است. این امر همچنین بیانگر این واقعیت است که سمت گیری تجارت خارجی کشور، فاصله گیری از الگوی رایج تجارت جهانی است و کشورمان به تدریج از چرخه اقتصاد جهانی کنار گذاشته شده و در حال حذف شدن است. این وضعیت، همچنین بیانگر مخاطره آمیز بودن سبد منابع درآمدهای ارزی کشور است. تنوع کم کالاهای صادراتی و روند رو به کاهش تنوع شرکای تجاری، توأم با مخاطرات ناشی از اتخاذ رویکرد شرکای تجاری مستقیم و محدود، در کنار رویکرد ترامپ مبنی بر حداکثر سازی اثر تحریم ها با وارد ساختن فشار بر روی شرکای مستقیم تجاری مان، عواقب و مخاطرات سنگینی در پی خواهد داشت.

۲۰- لذا با در نظر داشت نکات فوق، و با افزوده شدن مستقیم ۵ بازار واردات محور ۳۰۰ میلیارد دلاری، با

افزودگی شاخص بسیار مهم حذف تعرفه ۸۷ درصد اقلام کالایی، اهمیت امضا و عملیاتی سازی

موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا مضاعف می گردد و در عین حال، ضرورت

برنامه ریزی منسجم و هدفمند برای بهره مندی از این بازار و پایدار سازی آن را بیش از پیش هویدا می سازد. در این ارتباط، ظرفیت سازی داخلی و برخورداری بودن از توان رقابتی، در کنار مجموعه الزامات توسعه ای، شرط اساسی بهره مندی حداکثری از ظرفیت موافقت نامه و ازدیاد شرکای تجاری است.

۲۱- تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می تواند انگیزه قوی برای گسترش تجارت دو جانبه و سرمایه

گذاری برای طرفین به شرط رعایت الزامات آن شود و با رفع موانع تعرفه ای، دسترسی کشورمان به بازار

حدوداً ۳۰۰ میلیارد دلاری واردات محور اوراسیا با جمعیت بیش از ۱۸۰ میلیون نفری، وسعت بیش از ۲۰

میلیون کیلومتر مربع و تولید ناخالص داخلی فراتر از چهار تریلیون دلاری را تسهیل نماید. این میزان

واردات باعث شده بسیاری از کشورهای منطقه و آسیای شرقی (۴۰ کشور از جمله هند، چین و حتی رژیم

صهیونیستی) در صدد امضای موافقت نامه تجارت آزاد با این اتحادیه باشند. این حجم از واردات، برای کشورمان

نیز بازار بسیار جذابی تلقی شده و با حذف موانع تعرفه ای ذیل توافق نامه موصوف، فرصت بسیار خوبی به

شرط برنامه ریزی و ظرفیت سازی داخلی برای تسخیر بخشی از این بازار فراهم می آید.

۲۲- در چارچوب موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه موصوف می توان از موقعیت ترانزیتی کشورمان در جهت توسعه

ظرفیت مناسبات اقتصادی دوجانبه روسیه با سایر کشورهای غیرعضو خصوصاً هند نیز بهره مند و ضمن

گسترش دامنه زنجیره ارزش منطقه ای در شعاع وسیع تر، همکاری های اقتصادی منطقه ای را از پیوست

اقتصادی قوی و وابستگی متقابل اقتصادی ای برخوردار نمود و به تبع آن ضریب ریسک سیاسی، امنیتی و اقتصادی کشورمان را در سطوح منطقه ای ارتقاء بخشید. در این ارتباط، هند و روسیه در چارچوب توسعه همکاری‌های تجاری دوجانبه و در چارچوب انعقاد موافقت نامه جامع همکاری بین هند و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به طور بالقوه و به دلیل کاهش هزینه و مدت زمان حمل بار، نیازمند استفاده از مسیر ترانزیتی و کریدوری شمال-جنوب هستند که با برنامه ریزی و در چارچوب موافقت تجارت آزاد می توان این ظرفیت را فعلیت بخشید. نکته‌ای که در سال ۲۰۱۶ توسط رایزن اقتصادی وقت هند در مسکو در ملاقات با نگارنده سطور به صراحت مطرح و برنامه افزایش حجم مبادلات تجاری از هفت و نیم میلیارد دلار به بیش از ۳۰ میلیارد دلار در ۲۰۲۵ بین هند و روسیه و نیاز به این ایران جهت تحقق این مهم صریحاً طرح گردید. هر چند این میزان مبادلات تجاری متعاقب بروز بحران اوکراین بسیار بیشتر از سقف تعیین شده قبلی افزایش یافته، اما متأسفانه کشورمان تا کنون نتوانسته از این فرصت بهره مند شود. با در نظر داشت موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان پیش شرط اصلی تحقق ایده راهبردی توسعه کریدوری مبتنی بر تجارت آزاد و به شرط برنامه محوری و رعایت الزامات و اقتضائات تجارت آزاد، در کنار سایر مجموعه الزامات توسعه ای، می توان از ظرفیت فوق بهره مند گردید.

۲۳- عملیاتی سازی توافق نامه تجارت آزاد بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و حضور ایران در این بازار، علاوه بر ایجاد اشتغال کثیر نیروی کار کشورمان (در صورت برنامه ریزی و طراحی رژیم توسعه صادرات محور تجارت پایه)، موجبات جذب سرمایه گذاری های خارجی و داخلی در مناطق آزاد جنوبی و شمالی را به شرط رعایت الزامات آن فراهم خواهد کرد. زیرا در این مناطق سرمایه گذاران و تولید کنندگان از معافیت کامل برای تولید کالاها با هدف صادرات به بازارهای هدف اوراسیا برخوردار هستند و از سوی دیگر در بازارهای هدف نیز از تعرفه ترجیحی بهره مند خواهند شد. در نتیجه با هزینه پایین تر تولید کالا در این مناطق و همچنین با هزینه گمرکی پایین تر در بازار های هدف از توان رقابت بالایی در مقابل رقبا برخوردار خواهند شد.

۲۴- از طریق این توافق نامه، ایران می تواند کالاهایی را که با سرمایه گذاری در کشورهای عضو اتحادیه تولید کرده است، در کل اتحادیه اوراسیا به فروش برساند. با توجه به امضای توافق نامه ترجیحات تعرفه ای قرقیزستان با اتحادیه اروپا و اخذ امتیازاتی برای صادرات کالا بدون مالیات و عوارض، عملاً این امکان در اختیار سرمایه گذاران ایرانی کالا در قرقیزستان قرار می گیرد تا به بازار اروپا دسترسی داشته باشند.

۲۵- طبعاً با توجه به عملیاتی سازی موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به لحاظ پذیرش قوانین و مقررات مختلف آن از جمله چهار اصل اساسی صدرالاشاره، تأثیرات آن در اقتصاد داخلی ظاهر می شود. تجارت آزاد در اصل خود مغایر یا نفی کننده تلاش برای خودکفایی و خوداتکایی (به مفهوم درست و

نه انحرافی آن) نیست بلکه سیاست‌گذار را مجبور می‌کند تا بر مزیت رقابتی کشور، اتکاء و آن‌ها را تقویت یا حتی گاهی ایجاد کند و به تولید داخلی نه به عنوان جایگزینی واردات، بلکه به عنوان توسعه‌ی صادرات نگاه کند. تجارت آزاد همچنین به جهت افزایش فشارهای رقابتی، عمدتاً ناشی از فشار رقابت خارجی، بنگاه‌های تولیدی را مجبور می‌کند به طور خودکار و تحت الزامات محیطی، اصلاحات مربوطه را در بنگاه‌های خود انجام و توان رقابتی خود و بهره‌وری را که یکی از الزامات رشد و توسعه است افزایش دهد. طبعاً در بستر تجارت آزاد به دلیل ایجاد و افزایش قانونمندی‌ها و مسئولیت‌های فرامرزی کشور، به طور طبیعی بنیادهای رشد و توسعه اقتصادی تقویت خواهد شد و کشورمان می‌تواند بیشترین بهره را به لحاظ تنوع ساختار تولیدی و رشد بخش‌های خصوصی از این فرصت به عمل آورد. زیرا در بستر تجارت آزاد فارغ از موانع و محدودیت‌های سنتی می‌توان کالا یا خدمات رایج تولید و به بازار منطقه عرضه کرد. البته، تحقق کلیه موارد فوق، بستگی به چرخه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در خصوص مسائل کلان مرتبط با تجارت خارجی کشورمان و نیز دستور العمل‌های اجرایی و نیز متولیان اجرا دارد.

۲۶-البته حضور فعال ایران در تجارت آزاد یک جاده و مسیر دو طرفه است و بی تردید موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا، اقتصاد ملی را با شرایط جدیدی مواجه خواهد نمود و در عین تشدید رقابت، فرصت‌هایی را نیز رقم خواهد زد. به عبارت دیگر، در فرآیند اجرای تجارت آزاد، به طور طبیعی کشورمان با فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهد شد. طبعاً این فرصت‌ها و چالش‌ها محصول فرایند طبیعی تجارت آزاد است و تجارت آزاد همچنان که می‌تواند یک فرصت برای کشورمان به شمار آید یک چالش یا تهدید نیز می‌تواند باشد. نحوه بهره‌گیری بهتر و بیشتر از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های این موافقت نامه، قبل از هر چیز به نحوه و کیفیت تعامل کشورمان با الزامات موافقت نامه مربوط می‌شود. لذا چنانچه نتوانیم درک واقعی از شرایط موجود و تشخیص فرصت‌ها و چالش‌های اجرای تجارت آزاد داشته باشیم طبعاً مشکلاتی فراروی اقتصاد کشور قرار خواهد گرفت. در این چارچوب، لازمه تجارت آزاد، افزایش توانایی رقابتی کشورمان در بازار منطقه‌ای است و این مهم به صورت طبیعی به سطح رشد و توسعه اقتصادی و کمیت و کیفیت ادغام کشورمان در اقتصاد منطقه‌ای، قاعده مند نمودن ساختار تجارت خارجی کشور در ارتباط با موافقت نامه، ساماندهی تدریجی الگوهای رفتاری اقتصادی و تجاری کشور متناسب با الزامات و اقتضائات موافقت نامه تجارت آزاد، ظرفیت‌سازی‌های داخلی و غیره، بستگی دارد. لذا در صورتی که الگوی توسعه خود را با درنظر داشت عنصر رقابت و رقابت‌پذیری، بر محور توسعه تولیدات صادرات پایه قرار دهیم، عملیاتی‌سازی صحیح موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت‌های بی‌بدیلی را فرا روی کشور قرار می‌دهد تا به بازار واردات محور ۳۰۰ میلیارد دلاری اتحادیه موصوف دسترسی سهل‌تری داشته باشیم. کشور ما بایستی با چنین اولییتی

به موضوع تجارت آزاد با اتحادیه موصوف نگاه و از این زاویه آن را مورد توجه قرار دهد و تجارت با کشورهای عضو اتحادیه را مد نظر قرار دهد. در چنین صورتی می توان انتظار افزایش بهره وری بنگاه ها، توانمند سازی بخش خصوصی، تثبیت فضای اطمینان بخش و باثبات برای فعالان اقتصادی و نهایتا خلق ثروت توام با تحقق رشد اقتصادی پیوسته را داشت.

۲۷- با اجرایی شدن موافقت نامه تجارت آزاد و به شرط برنامه ریزی دقیق و منسجم، به تدریج می توان شهرهای شمالی کشورمان را به یکی از نقاط کانونی تجارت منطقه اوراسیا با خلیج فارس و شبه قاره هند تبدیل کرد. همچنان که استانبول به دلیل واقع شدن در کانون تجارت جهانی، سالانه میلیاردها دلار کالا دادوستد می کند. ۲۸- تجارت آزاد با اوراسیا نیز در یک افق میان مدت، می بایست در هم تنیده با کریدور بین المللی حمل و نقلی شمال- جنوب و سپس کریدورهای شرقی- غربی تعریف، تا معنا و اثربخشی آن در اقتصاد داخلی بیشتر آشکار گردد. در چارچوب این تفکر راهبردی، می توان از ظرفیت تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و در چارچوب ایده راهبردی توسعه کریدوری، حتی به توسعه مکران در یک افق بلندمدت نیز توجه کرد.

۲۹- و نکته آخر اینکه تحولات جهانی سرعت شتابانی به خود گرفته و تجارت جهانی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. فرآیند جهانی شدن اقتصاد که حاصل تعاملات اقتصادی جوامع در طول قرون متمادی است، با شروع جنگ تجاری و تعرفه ای آمریکا دچار خدشه جدی شده و پایه های جهانی سازی تجارت، در حال تضعیف شدن است. هرچند رویکرد یک جانبه گرایانه آمریکا و تعمیم آن به حوزه تجارت، جهان را در آستانه تحولی عظیم قرار داده و آثار و عواقب جنگ تجاری آمریکا، ممکن است به تدریج باعث بروز اختلالاتی در زنجیره های تامین جهانی شود ولی بنیاد و چارچوب ساختارهای بین المللی همچنان استوار و پابرجا بوده و مبنای عمل غالب کشورهای جهان است. البته در چنین فضایی، احتمالا الگوهای تجاری جهانی نیز دچار تغییراتی شده و طبیعتا مسیرهای جدیدی نیز رقم خواهد خورد. با ایجاد بی نظمی در زنجیره های تامین جهانی، قطعا جایگاه اهمیت زنجیره های تامین منطقه ای پررنگ تر خواهد شد. در چنین شرایطی، ضرورت بازتعریف نقش تجارت منطقه اوراسیا بر اساس شرایط جدید احساس می شود. از این منظر جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که در همسایگی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار دارد با توجه به موقعیت و وزن ژئوپلیتیک و ژئوکونومیک خود می تواند نقش اثرگذاری بر تقویت روند همگرایی منطقه اوراسیا داشته باشد و ضمن کمک به گسترش دامنه زنجیره ارزش منطقه ای در شعاع وسیع تر و تحقق ایده یکپارچه سازی سیستم لجستیک کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا خود نیز از قبل این همکاری منتفع شود و منطقه اوراسیا را از پیوست قوی اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی برخوردار نماید. بنابراین در شرایطی که تحریم های موجود علیه ایران و روسیه محدودیت هایی برای فعالیت های اقتصادی این دو کشور

به وجود آورده توافق نامه تجارت آزاد، برای هر دو طرف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند عاملی برای توسعه روابط اقتصادی ایران و روسیه و منطقه اوراسیا باشد.

ضرورت شیفت پارادایمی نظام حکمرانی کشور در حوزه تجارت خارجی

از بدو انقلاب، جمهوری اسلامی ایران همواره زیر فشار حضور نظامی آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن و تحت فشارهای شدید ژئوپلیتیکی بیرونی قرار گرفته و همواره با دامنه تشدید تدریجی تحریم‌های همه جانبه آمریکا مواجه بوده است. این موضوع باعث تحمیل هزینه‌های زیادی برای مهار تهدیدات خطرناک آمریکا به کشور نموده و از اینرو، شاید بتوان گفت یکی از بارزترین دلایل ناهمسانی اقتصادی کشورمان با کشورهای جهان و منطقه، همین موضوع باشد. به اعتقاد نگارنده سطور، مفهوم تنهایی استراتژیک تاریخی ایران که آقای دکتر محی الدین مصباحی آن را مهم‌ترین نمود و نماد تداوم ویژگی بنیادین سیاست خارجی کشور می‌پندارد را می‌توان به حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل نیز تعمیم داد. بدین گونه که نه تنها از عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت توسط آمریکا جلوگیری و ممانعت به عمل آمده، بلکه از حضور و مشارکت فعالانه ایران در زنجیره ارزش جهانی و حتی زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای چه آگاهانه و خودخواسته و چه ناخواسته و از روی ناچاری، ممانعت شده و به گونه استراتژیک ایران را در چرخه اقتصاد جهانی تنها و از منافع حاصل از آن تا حدود زیادی محروم نموده است.

در این روند، اگرچه جمهوری اسلامی ایران با اغتنام از فرصت تحریم‌ها در دستیابی به تکنولوژی‌های گزینشی و برخی از حوزه‌های صنعتی و اقتصادی و به ویژه حوزه نظامی پیشرفت‌های خوب و قابل تحسینی داشته است ولی واقعیت اینکه پایگاه قدرت ایران نه تنها در درون نظام بین‌الملل، بلکه حتی در سطح منطقه‌ای، فاقد مولفه اقتصادی و توسعه است و کشور روی هم رفته نتوانسته مدل اقتصادی متمایز و پایگاه قدرت اقتصادی بین‌المللی و حتی منطقه‌ای موثری برای خود ایجاد کند و به هیچ وجه با ظرفیت‌های داخلی ایران درون نظام بین‌الملل متناسب نیست و نقش ایران صرفاً به کشور تولید کننده مواد خام و بازاری منطقه‌ای برای کالاهای مصرفی فاسد شونده محدود شده است. این امر، در کنار سیاست تهی سازی تدریجی ژئواکونومیک ایران از منطقه توسط آمریکا، که عملاً منجر به کاهش شرکای تجاری ایران و به تبع آن کاهش درآمدهای ارزی کشور شده، منبع اصلی آسیب پذیری کشور درون نظام بین‌الملل تلقی می‌گردد. با چنین وضعیتی، دستیابی کشورمان به یک قدرت اقتصادی بزرگ منطقه‌ای مصرح در اسناد بالادستی، تقریباً به هدفی نامحتمل تبدیل شده است. چنین شکافی، همچنین مانع مهمی برای پیگیری امنیت و منافع ملی ایران بوده و خواهد بود.

بنابراین، با توجه به رویکرد تهدید نگر غرب و همراهی ساختاری نظام بین الملل در تحریم های اقتصادی و سیاسی و سایه مداوم کاربرد زور، تهدید و ارباب در منطقه و همچنین سایه حضور مداوم اقدامات تنبیهی و قهری بالقوه و بالفعل که همواره بر سر ایران بوده و احتمالاً باقی خواهد ماند، چاره ای برای کشورمان باقی نگذاشته که با درنظرداشت وجستجوی عمق استراتژیک خود در درون (درون زایی) ولی همزمان با تکیه بر مرکزیت جغرافیایی خود در حوزه اوراسیا، راهبرد برون گرایی را با هدف جبران بخشی از عقب ماندگی اقتصادی تقویت کند. به عبارت دیگر، نگارنده ضمن اعتقاد به درون زایی بنیادهای اقتصاد ملی و ضرورت تقویت توانایی خویش، به برون گرایی اقتصادی به همراه پویایی های تقویت کننده باورمند است و در عین حال معتقد به تولید یک راهبرد بومی متناسب با دو متغیر اصلی درون زایی و برون گرایی است. طبعاً باتوجه به مجموع شرایط، عمق استراتژیک، درون زایی (به جایگزینی درون گرایی) است ولی برای استقلال بنیادهای امنیت ملی کشور باید درون زایی را توأم با برون گرایی تقویت نمود. تکیه صرف به درون با اتکاء به رویکرد درون گرایی، به هیچ وجه تامین کننده منافع ملی نیست. بلکه رویکرد درون زایی توأم با برون گرایی می تواند تامین کننده منافع ملی کشورمان در شرایط موجود حاکم بر جهان باشد، چراکه جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ای، پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ اقتصادی منطقه ای و به تبع آن ظرفیت برخورداری از اهمیت سیستمیک بین المللی را دارد، چنانچه از راهبرد خودبسندگی و پایداری خودساخته تنهایی، تغییر پارادایم دهد و راهبرد اقتصاد "تجارت پایه" را لااقل در سطح جغرافیای اوراسیا (به عنوان نمونه آزمایشی)، مبنای عمل خود قرار دهد و به تدریج آن را تعمیم بخشد. تحقق این امر، همچنانکه اشاره شد، مستلزم تغییر پارادایم فکری در حوزه اقتصادی و تلفیق رویکرد صرف خودبسندگی داخلی با ورود موثر به ساختار تجارت آزاد منطقه اوراسیا (به عنوان یگانه منبع تجارت آزاد قابل اجرا برای کشور در شرایط فعلی و به عنوان راهکاری برای تجربه پدیده های جهانی شدن در یک مقیاس منطقه ای محدودتر و کم خطر تر) است. البته شرط لازم برای تحقق این مهم و منتفع شدن از منافع حاصل از تجارت آزاد و در نهایت تبدیل شدن به قدرت بزرگ اقتصادی منطقه ای، همانا از خود گذشتگی و ریسک پذیری هوشمندانه و آمادگی و ظرفیت سازی داخلی برای پذیرش نظام تجارت آزاد، توأم با انجام اصلاحات ساختاری است. این تغییر پارادایم به اجماعی در سطح حکمرانی نیاز دارد که در آن همسازی و انطباق ساختار درون نظام تجارت آزاد را به امری ضروری و حیاتی توسعه تبدیل نماید و صد البته هزینه پذیرش آن بسیار کمتر از نفی آن خواهد بود. این رویکرد می تواند کلید جهش کیفی و راهبرد توسعه ایران در آینده مطمئن نظر قرار گیرد. در فرآیند این مسیر، قطعاً نظام بین الملل به رهبری آمریکا اجازه نخواهد داد تا گذار به این وضعیت راحت و مسالمت آمیز باشد و لذا بایستی بازی شطرنج وار در کنار رویکرد تحول ساختار تجارت خارجی کشور در دستور کار نظام حکمرانی کشور قرار گیرد.

تحقق ایده راهبردی توسعه کریدوری مبتنی بر تجارت آزاد با تکیه بر موافقت نامه تجارت آزاد با

اتحادیه اقتصادی اوراسیا

همانطور که اشاره شد، انقلاب اسلامی ایران برای حدود چهار دهه تحت فشارهای سنگین و یکی از پیچیده‌ترین نظام‌های تحریمی جهان و سایه مداوم کاربرد زور قرار داشته و در حالی به حیات مبارک خود ادامه می‌دهد که به دلیل اثربخشی تدریجی تحریم‌ها از یک طرف و مشکلات ساختار اقتصاد داخلی و تجارت خارجی از سوی دیگر، در تنگنای شدید اقتصادی قرار گرفته است. در چنین شرایطی بدون ایجاد یک تحول در حوزه تجارت خارجی و تحقق الزامات مرتبط با آن، نمی‌توان آینده متفاوتی از شرایط فعلی را برای کشور متصور و ترسیم نمود.

از سوی دیگر، هرچند نگارنده سطور بر این باور است که بهترین حالت برای کشورمان این است که بتواند با کلیه بلوک‌ها و زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای از جمله زنجیره‌های اوراسیا و یوروآتلانتیک و نیز تمام مولفه‌های قدرت بین‌المللی تعامل و رابطه داشته باشد تا از گردونه رقابت و چرخه اقتصاد بین‌المللی حذف نشود ولی با نگاه واقع‌بینانه، در مقطع حساس فعلی، که از حیث روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای دوره خلاء نامیده می‌شود و نیز با توجه به حجم برنامه ریزی شده و راهبرد تزریق ناامنی و توازن ضعف در خاور میانه توسط آمریکا، باید برای استقلال و تقویت بنیادهای امنیت ملی خود، سیاست چسبندگی و وابستگی متقابل اقتصادی و خلق زنجیره ارزش منطقه‌ای را با **کشورهای همسایه و محیط پیرامونی** خود برقرار سازد و یک اقدام بنیادین در جهت خنثی‌سازی تأثیرات سیاست منزوی سازی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و اعمال فشارهای تحریمی در گستره و عمق زیاد توسط غرب، که متأسفانه چالش‌های هنجاری زیادی را در طول ۴۶ سال گذشته برای کشورمان ایجاد کرده، با هدف ممانعت از ایجاد یک نقطه فشار ساختاری و یک منبع مستقل نگرانی امنیتی جدید **در منطقه اوراسیا** توسط غرب انجام دهد. بنابراین، ضروری است کشورمان در هندسه جدید قدرت و در یک راهبرد منطقی، به هم‌افزایی‌های منطقه‌ای با هدف خلق زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و به تبع آن، مشارکت بنگاه‌های تولیدی و تجاری کشورمان درون این زنجیره توجه بیشتری نماید. از این منظر، ایران به عنوان کشوری که در همسایگی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار دارد، با توجه به موقعیت و وزن ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، می‌تواند از نقش تأثیرگذار این اتحادیه متأثر شود و خود نیز نقش اثرگذاری بر تقویت روند همگرایی منطقه‌ای داشته باشد. بی‌تردید، شرط اساسی تأثیرگذاری و بهره‌مندی حداکثری از این ظرفیت مهم، مستلزم سطحی از برنامه ریزی و آماده‌سازی ظرفیت‌های داخلی، در کنار مجموعه الزامات توسعه‌ای است. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر و با توجه به امضای موافقت نامه تجارت آزاد کشورمان با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و

اجرایی سازی عن قریب موافقت نامه مذکور و از آنجایی که قواعد و ضوابط سازمان جهانی تجارت، به ویژه ۴ رکن اصلی و اساسی این سازمان از جمله تعمیم رفتار دولت ملی و اصل کامله الواداد و ... بر کلیه موافقت نامه ها و ترتیبات تجاری چند جانبه و بین المللی از جمله موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نافذ است، لذا کشورمان برای اجرای صحیح موافقت نامه و برای منتفع شدن از منافع حاصل از آن، نیازمند بازبینی مولفه ها و رویکردهای پیشین حوزه تجارت خارجی و بازتعریف نقش تجارت و همه رویه های تجاری بر اساس شرایط جدید است و موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصت باز طراحی شکل نوین الگوی توسعه و همگرایی توسعه محور بلندمدت تجارت پایه و در هم تنیده با بلوک اوراسیا را فراهم نموده تا از این رهگذر بتوانیم سیاست های درون زایی خود را با رویکرد برون گرایی، تجارت پایه کنیم و بر این مبنا اصلاحات ساختاری انجام و سازوکارهای تجارت خارجی خود را روزآمد سازیم. براین اساس، باز تعریف جایگاه کشور در زنجیره ارزش جهانی و زنجیره های ارزش منطقه ای مبتنی بر تجارت آزاد در چارچوب ایده راهبردی توسعه کریدوری، بخشی از الزامات مورد نیاز جهت بازطراحی الگوی توسعه تجارت خارجی کشور، در شرایط فعلی است. گام نخست رو به جلو، پذیرش ضرورت تغییر در راهبرد فعلی تجارت خارجی و گزینش تجارت خارجی توسعه گرا با محوریت موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا به عنوان نخستین تجربه عملی کشور در ورود به فاز تجارت آزاد و تبیین آن در محیط داخلی و بیرونیست. در صورت تدوین و عملیاتی نمودن موافقت نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چارچوب مفهوم توسعه کریدوری و نه پروژه ای، می توان به شکل گیری زنجیره ارزش منطقه ای مبادرت نمود. درواقع، امروزه کریدورها، مهمترین نماد ژئواکونومی هستند و بستر توسعه یک کشور و منطقه را شکل می دهند. به عبارت دیگر **کریدور** "مهم ترین نمود و نماد مفهومی است به نام ژئواکونومی که اشاره دارد به استراتژی که با استفاده از قدرت سرمایه گذاری و توانایی های اقتصادی دولت ها می توانند به اهداف خودشان دست پیدا کنند. (دکتر آرش رئیسی نژاد، ایران و راه ابریشم نوین). تنها در این چارچوب می توان سیاست انزوا و تهی سازی تدریجی ژئواکونومیک ایران از منطقه توسط آمریکا که متاسفانه روز به روز در حال گسترش است را از طریق اتخاذ "رویکرد ژئواکونومیکی" و درک، تدوین و عملیاتی کردن یک "ایده راهبردی توسعه کریدوری" بر هم زد. به عبارت دیگر، آینده ایران برای برهم زدن انزوای اقتصادی، تنها از مسیر عملیاتی کردن "یک ایده راهبردی توسعه کریدوری" می گذرد که متاسفانه در کشور ما یا به آن پرداخته نمی شود و یا یک درک سطحی و برداشت پروژه محور، دولت محور و نگاه از بالا به پایین از آن می شود. در حالی که، اساسا کریدور، بایستی در رویکرد توسعه ای و در چرخه زنجیره ارزش منطقه ای و حتی در یک سطح بالاتر در چرخه زنجیره جهانی ارزش دیده، تعریف و اجرا شود. لذا تنها در چارچوب شکل گیری مفهوم توسعه کریدوری است که می توان با حوزه پیرامونی در هم تنیدگی ایجاد و از این طریق حوزه نفوذ کشور را به حوزه منافع تبدیل و ضمن

ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، به توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای مبادرت نمود. بنابراین "کریدور" را نباید با یک نگاه صرف ترانزیتی و یا پروژه‌ای و به مثابه پروژه‌هایی مثل ساخت جاده، فرودگاه، راه آهن و بندر نگریست، بلکه می‌بایست آن را در چارچوب زنجیره ارزش منطقه‌ای و در بستر تجارت آزاد مورد توجه قرار داد تا بواسطه شکل‌گیری هاب‌های تجاری، زمینه‌های شکل‌گیری کریدور تحقق یافته و توسعه و به طبع آن تولید ثروت تشدید شود. از زاویه این نگاه، اهمیت تجارت آزاد کشورمان با اوراسیا بیشتر قابل فهم و ادراک می‌شود. زیرا، کریدور، همچنانکه بیان شد در نهایت اشاره دارد به بستری که در آن تجارت آزاد شکل می‌گیرد و موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برای نخستین بار تحقق ایده راهبردی توسعه کریدوری را در بستر تجارت آزاد فراهم نموده است. از این زاویه دید، می‌توان گفت رابطه تجارت پایه با منطقه اوراسیا صرفاً یک انتخاب سیاسی و از سر ناچاری نیست بلکه رابطه‌ای طبیعی و در چارچوب توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای است و با ورود کشورمان به زنجیره ارزش منطقه، تاب آوری و توانمندسازی اقتصاد کشور افزایش خواهد یافت. زیرا با اتکاء بر موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصتی فراروی کشورمان قرار می‌گیرد که ضمن مواجه با واقعیات نظام تجارت آزاد، باز تنظیمی از شناخت وزن اقتصادی و تجاری خود در مقابل نظام تجارت آزاد در سطح منطقه‌ای محدود تر و کم خطرتر داشته باشد و به آن به عنوان مدل آزمایشی کوچک جهت ورود به سایر ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی و ازجمله سازمان تجارت جهانی در آینده مطمح نظر قرار دهد.

بنابراین، اتحادیه اقتصادی اوراسیا با حجم تجارت خارجی ۷۵۰ میلیارد دلاری و اختصاص ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان، فرصت بی‌بدیلی برای توسعه صادرات کشور و گسترش تجارت متقابل با هدف ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و به تبع آن، بهبود ضریب ریسک سیاسی و امنیتی کشورهای عضو و از جمله ایران فراهم نموده است. از این رو، به این پیشنهاد مهم تاکید موکد می‌گردد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا به مثابه یک پروژه ملی و به عنوان "پایلوت توسعه مناسبات اقتصادی" در نظر گرفته شود و بر اساس آن ضمن تغییر شیفت پارادایم نظام حکمرانی کشور در نظام تجارت خارجی و به تبع آن، رفع موانع و مشکلات تجارت خارجی، به ایجاد الزامات مورد نیاز برای بهره‌گیری حداکثری از این ظرفیت پرداخته شود. بنابراین با توجه به اجرایی سازی موافقت نامه تجارت آزاد در اواخر اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ و ورود نخستین بار کشورمان به فاز تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، می‌بایست از هم اکنون به سمت تدوین راهبرد همکاری اقتصادی با محوریت تولیدات صادرات محور (رژیم تجاری صادرات محور) و با در نظر داشت مزیت‌های نسبی اقدام کنیم. بر این اساس و در

این چارچوب، پیشنهاد ویژه بین‌المللی موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و تعریف آن به عنوان یک پروژه ملی توأم با ایجاد سازوکار مناسب اهمیت مضاعف می‌یابد.

الزامات اجرای موفق و صحیح موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا

"گام‌های عملیاتی برای بهره‌مندی حداکثری از منافع حاصل از موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا"

بنابر همه واقعیت‌های موجود، جمهوری اسلامی ایران، یک قدرت بالقوه منطقه‌ای است که برای بالفعل ساختن آن، نیازمند همکاری‌ها و همگرایی بیشتر منطقه‌ای است و تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان بستر اولیه برای تحقق ایده راهبردی توسعه‌کریدوری، می‌تواند چنین فرصتی را فراروی کشور قرار دهد. با چنین رویکردی، تعامل و نقش فعال ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا واجد اهمیت مضاعف می‌گردد. زیرا موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا، به صورت بالقوه شرایط و بستر مناسبی پیش‌روی توسعه تجارت خارجی کشور در جغرافیای یک زنجیره ارزش منطقه‌ای فراروی کشورمان قرار می‌دهد.

طبیعی است موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از جهات مختلف و به ویژه به دلیل حذف موانع تعرفه‌ای، زمینه را برای تسهیل و گردش تجارت فراهم می‌کند و سبب ساز افزایش تعاملات و تبادلات تجاری می‌شود. اما برای بهره‌مندی حداکثری از منافع این موافقت‌نامه می‌بایست اقدامات متعددی در سطوح ملی و استانی مطمح نظر قرار گیرد. طبعاً نهاد دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاست، نقش محوری و کلیدی در اجرای موفق موافقت‌نامه تجارت آزاد دارد و با افق و بینش توسعه‌گرایانه می‌تواند موافقت‌نامه را به سمت جلو هدایت و از قبل آن ارزش افزوده ایجاد نماید.

از سوی دیگر، پیچیدگی‌های حاکم بر نظام اقتصاد بین‌الملل، باعث شده که مساله تجارت بین‌المللی، به امر پیچیده و کاملاً تخصصی تبدیل شود و نافذ بودن قواعد و ضوابط سازمان جهانی تجارت و سایر موافقت‌نامه‌های تجاری نیز بر دامنه این پیچیدگی افزوده است. با چنین شرایطی، نیازمند روزآمدسازی ساختارها و رویه‌ها هستیم. زیرا برخی از موضوعات تحت پوشش و رویه‌های خاص مربوط به موافقت‌نامه مذکور، لزوماً با رویه‌های جاری و رایج کشور منطبق نبوده و یا اساساً فاقد سازوکارهای اجرایی مناسب می‌باشد. از جمله این نارسائیها، می‌توان به موضوع قواعد مبداء و ضوابط احراز منشاء کالاها برای اعطای ترجیحات تجاری اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اشاره کرد. بنابراین، برای پیاده‌سازی و اجرای صحیح موافقت‌نامه تجارت آزاد، نیازمند ساختارهای جدید در سطح ملی بوده و در برخی زمینه‌ها نیز نیازمند تهیه دستورالعمل‌های اجرایی متعدد و جداگانه‌ای توسط دستگاه‌های ذیربط در حوزه‌های مختلف تجاری کشور وجود دارد. با در نظر داشت موارد فوق و برای موفقیت و حصول نتیجه، می

بایست به این موافقت نامه به شکل جامع نگریسته شده و سازوکار لازم برای تحقق الزامات اجرای موفق موافقت نامه تجارت آزاد ایجاد و ترسیم گردد. به عبارت دیگر، ایفای نقش موثر در یک ساختار منطقه ای، نیازمند سطحی از برنامه ریزی برای اتخاذ چنین مسئولیتی است. نباید فراموش کرد که توسعه مناسبات اقتصادی، برخلاف توسعه روابط سیاسی، صرفاً بر مبنای اراده ها شکل نمی گیرد، بلکه نیازمند "الزامات" است. تا طرفین الزاماتی را در داخل فراهم نکرده باشند، نمی توانند به توسعه سریع مناسبات تجاری دست یابند. بر همین اساس و با توجه به اهمیت موافقت نامه تجارت آزاد جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مجدداً پیشنهاد می گردد این موافقت نامه به مثابه یک **پروژه ملی** تعریف و نگریسته شود و الزامات اجرای موفق آن، مبتنی بر رفع موانع تجارت آزاد در داخل کشور فراهم شود. تصحیح سیاست های داخلی و حرکت در بستر رقابت پذیری؛ برنامه محوری، تدوین راهبرد همکاری اقتصادی و به تبع آن، دستورالعمل اجرایی کار با اتحادیه موصوف، یکپارچه سازی نظام تصمیم سازی و اجرا توأم با ایجاد یا نوسازی زیر ساخت های تجاری اعم از زیر ساخت های سخت افزاری شامل زیرساخت های بندری، جاده ای، دریایی، هوایی، انبارداری، زیرساخت های فناوری اطلاعات، ایجاد پایانه های صادراتی مجهز به انبارهای بزرگ، سردخانه های عظیم، ابزارهای سورت بندی کالا و بسته بندی کالاهای صادراتی، تشکیل شبکه های تامین کالا، تشکیل شرکت های مدیریت صادرات در مقیاس بین المللی، ایجاد مراکز تجاری در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه موصوف و ... و نیز زیرساخت های نرم افزاری شامل رژیم تنظیم کننده مقررات متناسب با بازار اوراسیا؛ هماهنگ سازی روند های گمرکی؛ تنظیم و به روز رسانی قوانین گمرکی؛ یکپارچه سازی سیستم مقررات فنی به ویژه مقررات استاندارد اجباری و بهداشت گیاهی و دامی؛ یکپارچه سازی سیستم انطباق ارزیابی اسناد برای محصولات صادراتی؛ ایجاد سازو کار مناسب برای تشخیص و احراز مبدا کالاهای وارداتی و صادراتی؛ ایجاد نظم کارآمد و تنظیم تعرفه ها در جهت رقابت پذیری کشور و حمایت منطقه ای از تولید داخلی؛ ایجاد ظرفیت های قانونی و حقوقی جدید از قبیل تدابیر حفاظتی تجاری؛ شفاف سازی مقررات و کاهش تعدد رویه های ورود کالا؛ حذف کلیه موانع غیر تعرفه ای و غیر فنی و اعمال نرخ های معادل تعرفه ای؛ اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات مربوط به واردات برای ایجاد شفافیت؛ بازنگری و اصلاح قانون صادرات و واردات و قانون گمرکی؛ حذف تبعیض های اقتصادی و ایجاد فرصت های برابر برای کلیه اشخاص؛ تبعیت از الگوها، قواعد و رفتارهای تجاری مورد توافق شده در چارچوب موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا؛ افزایش توانمندسازی اقتصاد کشور و آماده سازی بنگاه های اقتصادی؛ شناسایی مزیت های رقابتی و نسبی و بهره گیری مطلوب از آنها؛ و ... بخشی از این الزاماتی است که می بایست روی آن تمرکز بیشتری صورت پذیرد.

در کنار توجه خاص به ایجاد زیرساخت های تجاری، لازم است توجه ویژه ای نیز به متولیان اجرای موافقت نامه به عمل آید. در این چارچوب ضروری است ضمن بازنگری در ساختار و کارکرد سازمان توسعه تجارت به عنوان متولی اصلی تجارت کشور، به تقویت جایگاه آن پرداخته شود. به روز رسانی و ارتقاء نقش و عملکرد سایر سازمان های تخصصی و پشتیبان مانند سازمان استاندارد، سازمان دامپزشکی، سازمان گمرک، اتاق بازرگانی (به عنوان نماینده بخش خصوصی)، سازمان بنادر و سایر سازمان های حمل و نقلی، در کنار رفع ناهماهنگی های سازمانی و پرهیز از بخشی نگری، توجه ویژه به رژیم تجاری صادرات محور با مقیاس وسیع، و نیز تحول بنیادین در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص در امور مذاکرات تجاری و تجارت بین الملل و به ویژه تربیت نیروهای متخصص و کارشناس برای اجرای موافقت و آشنا به اصول و قواعد تجارت چند جانبه؛ از جمله الزامات دیگر موفقیت در حداکثرسازی استفاده از ظرفیت موافقت نامه موقت تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می باشد. همچنین کاربست دانش روز در سیاست و تجارت خارجی؛ شناخت دقیق مساله و تبیین آن و نیز طراحی و تدوین راهبرد تجاری مأموریت گرا با محوریت موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی راه حل با حضور کلیه ذی نفعان؛ تبیین مبانی علمی پذیرش اصل "رقابت و رقابت پذیری"؛ توجه به ساختارسازی در حوزه تجارت خارجی؛ اتخاذ فرآیند راهبردی نظام مند درگیر کردن بخش های مختلف از سوی بالاترین سطح کشور؛ نقش پذیری عملیاتی سازمان ها و نهادهای داخلی ذی ربط و ذی مدخل موافقت نامه تجارت آزاد، هماهنگ سازی داخلی در اجرای موافقت نامه و ایجاد ناظر بالادستی برای هماهنگ سازی مراجع ذیربط با هدف جلوگیری از بخشی نگری و رفتارهای جزیره ای سازمان های ذیربط (لزوم جامع نگری و جلوگیری از عملکرد سلیقه ای و نا کارآمدی)؛ تبیین و تشریح اصول حاکم بر موافقت نامه موصوف و آگاهی بخشی و عمومی سازی آن به ذینفعان (بخش های ذیربط دولتی و بخش خصوصی)؛ تهیه برنامه و دستورالعمل اقدام گام به گام، توأم با ضمانت اجرای لازم؛ ایجاد اجماعی همگانی و خلق یک وحدت گفتمانی در بدنه دولت و حاکمیت درخصوص موافقت نامه و فراهم سازی ملزومات اجرای صحیح و موفق آن؛ ایجاد ساز و کاری برای به کارگیری قواعد و اصول نظام تجارت آزاد اوراسیا در اقتصاد ملی؛ ایجاد سازوکارهای نظام مند برای تدوین، بازبینی و بازنگری اسناد بالادستی؛ ایجاد ساز و کار تدوین رژیم تجاری و قواعد تجارت آزاد در سطح منطقه اوراسیا و دربرگیرنده اسناد اداری و حقوقی مجزایی در حوزه های کشاورزی، صنعتی، خریدهای دولتی قواعد مبدا، صدور مجوزهای ورود، ارزش گذاری مالکیت فکری، شفافیت استانداردهای کار، سیاست رقابتی، تسهیل تجاری، محیط زیست و نیز تسری آن به سایر حوزه های مرتبط با تجارت آزاد؛ لزوم ایجاد یک نهاد تنظیم گر در بدنه دولت در رابطه با اجرای صحیح موافقت نامه؛ تعدیل برخی محدودیتهای داخلی برای ایفای نقش ایران به عنوان یک حلقه مهم از زنجیره ارزش شکل گرفته منطقه ای، به ویژه در حوزه ارزی و مقررات صادرات و واردات متناسب با جایگاه موافقت نامه تجارت آزاد ارزیابی وضع موجود و

الزامات ضروری جهت کسب آمادگی های لازم برای اجرای موفق موافقت نامه تجارت آزاد؛ استفاده از تجارب سایر کشورهای موفق در پیشبرد الگوی تجارت آزاد؛ بازبینی ساز و کار ستاد تنظیم بازار در چارچوب موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا (عملکرد فعلی ستاد مذکور در تباین با رکن دوم سازمان جهانی تجارت یعنی ممنوعیت استفاده از محدودیت های مقداری و کمی است)؛ شناسایی فعالیت های با ارزش افزوده بالاتر در طول زنجیره ارزش منطقه ای و ترسیم گام های عملی جهت میل به آن، و ... نیز برای بهره مندی حداکثری از منافع موافقت نامه موصوف ضروری است.

در مجموع موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا ابزاری است برای حضور فعال در اقتصاد منطقه و بهره گیری از امکانات آن در جهت تحقق راهبرد توسعه صادرات که باید در کنار مجموعه الزامات توسعه ای مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق راهبرد توسعه صادرات نیز ابتدا باید رابطه توسعه مند با اقتصاد منطقه برقرار کنیم و تجارت خود را متناسب با الزامات و اقتضائات آن شکل دهیم و پس از کسب آمادگی های لازم، این الگو را در چارچوب قواعد و ضوابط موافقت نامه قاعده مند نماییم و آنگاه خود را برای تضمین استمرار این الگوهای رفتاری متعهد کنیم. ازاینرو، چگونگی حضور جمهوری اسلامی ایران در تجارت آزاد با اوراسیا و پذیرش تعهدات مربوطه و انطباق آن با الزامات توسعه کشور موضوع بسیار مهمی است. انطباق تدریجی الزامات ملی توسعه ای کشور با تعهدات مندرج در متن موافقت نامه تجارت آزاد اوراسیا، ضریب بسیار مناسبی است برای حل این مشکل راهبردی که چگونه می توان ضمن حفظ منافع ملی، استقلال سیاسی و هویت فرهنگی کشور از امکانات اقتصاد منطقه ای و جهانی در راستای تحقق برنامه های توسعه ای کشور بهره برداری نمود. به عبارت دیگر، نحوه بهره گیری بهتر و بیشتر از فرصت ها و مقابله با چالش های تجارت آزاد قبل از هر چیز به نحوه و کیفیت تعامل کشورمان با این موافقت نامه و میزان آمادگی لازم برای تحول ساختار اقتصاد ملی مربوط می شود. برای غلبه بر چالش ها و بهره گیری از فرصت ها چاره ای جز شکل گیری سیاست های واحد اقتصادی و نظام مند و نهادمند کردن روندهای جاری تجاری کشور نیست.

بنابراین، با عنایت به مطالب پیش گفته می توان تاکید نمود عضویت در یک اتحادیه اقتصادی منطقه ای منافع متقابل دربر دارد و استفاده حداکثری از این منافع به میزان ظرفیت سازی ها، بستر سازی ها و ایجاد زمینه از سوی کشورمان بستگی دارد. همچنین نیازمند توجه به جمیع جوانب موضوع، سیاست گذاری های مناسب توأم با افزایش همکاری های بین وزارتخانه ای و آماده سازی ظرف اقتصاد داخلی و انجام برخی اصلاحات اقتصادی است. هر چقدر توجه به جوانب فوق الذکر بیشتر باشد، طبیعتاً استفاده از ظرف اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز بیشتر میسر خواهد شد. لذا می بایست به دنبال تکمیل چرخه زیرساختی (شبکه تولید صادرات محور، شبکه تامین،

شبکه مدیریت صادرات و نیز تکمیل زیرساخت حمل و نقلی) پرداخت و به تسهیل و روان سازی تجارت مبادرت نمود. در این صورت تجارت آزاد بین ایران و اوراسیا می تواند نتایج مثبتی را به ارمغان آورد.

ورود به مرحله رژیم تجاری دو گانه جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار: الزامات و باید ها و نبایدها

همانچنانکه پیشتر نیز اشاره شد، با امضای موافقت نامه و پذیرش تجارت آزاد، زین پس کشورمان می بایست واجد دو نوع رژیم تجاری باشد. یک رژیم با مختصات خاص موافقت نامه برای تجارت آزاد و رژیم دیگر برای سایر کشورهای طرف همکار با ایران. موافقت نامه الزامات خاص خود را دارد و قواعد و قوانین آن برگرفته از قوانین سازمان جهانی تجارت است و برخی از اصول اصلی آن هم چنانکه پیشتر اشاره شد عبارتند از: اصل دولت کامله الوداد، اصل رفتار ملی، اصل رفع محدودیت های تجاری، اصل حمایت از صنعت صرفا از طریق تعرفه ها و اصل ضد دامپینگ. لذا با رویکرد فعلی نمی توان به اجرای صحیح آن پرداخت. بنابراین فرصت مناسبی فراهم شده تا با اتکای به موافقت نامه علاوه بر تدوین راهبرد توسعه تجارت با منطقه اوراسیا متضمن اصلاح ساختار تجارت خارجی و تنظیم اقتصاد ملی با سیاست های تجارت خارجی، نسبت به بازبینی عملکرد نهاد ها و متولیان توسعه تجارت اقدام عاجل به عمل آید. در این راستا و در چارچوب رژیم تجاری دوم، ضروری است، عملکرد نهاد های تنظیم گر از جمله ستاد تنظیم بازار بازبینی و جهت گیری آن در ارتباط با رژیم تجاری خاص موافقت نامه تجارت آزاد، به سمت نظارت و تسهیل رقابت، تغییر جهت بدهد و از دخالت های مکرر، که با اصل و روح حاکم بر موافقت نامه تجارت آزاد است و همینطور موجب بروز اختلالات جدی در بازار و برنامه صادر کنندگان می شود، جلوگیری به عمل آید. ضروری است به این مهم توجه شود که سیاست تنظیم بازار کاملا در تضاد با اصل تجارت آزاد است و در صورت عدم چاره اندیشی، مشکلات عدیده ای در روند اجرا ایجاد خواهد نمود. بنابراین با اتکاء به موافقت نامه تجارت آزاد، نهادهای تنظیم گر می بایست با رویکردی متفاوت عمل کنند و به جای مداخله مستقیم در بازار، بر نظارت و تدوین قوانین تمرکز نمایند. این نهادها در چارچوب جدید، باید تلاش کنند با ایجاد چارچوب های قانونی مناسب، رقابت سالم را تسهیل و از سوءاستفاده های احتمالی جلوگیری کنند.

موضوع مهم قواعد مبدا خاص موافقت نامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

در نیم قرن اخیر، مبحث تجارت از تولید نیز تخصصی تر شده است. به عنوان مثال در اتحادیه اروپا، تنها راجع به یک متغیر وابسته به تجارت یعنی قواعد مبدا، یک هزار صفحه مطلب و در اتحادیه نوپای اقتصادی اوراسیا، چهارصد صفحه در خصوص ابعاد مختلف فنی آن، مطلب به رشته تحریر درآمده است ولی در کشور ما به دلیل عدم عضویت در هیچ یک از ترتیبات تجاری منطقه ای موثر، حتی یک صفحه مطلب راجع به قواعد مبدا

چند جنبه وجود ندارد. این درحالی است که عدم اشراف به آن، و عدم ایجاد ساختار مناسب جهت احراز منشأ کالاهای صادراتی و وارداتی می تواند پاشنه آشیل تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا شود. بنابراین، علاوه بر ضرورت ایجاد ساختار احراز منشأ کالاهای وارداتی و صادراتی ذیل مقوله مهم قواعد مبداء، (که به دلیل اهمیت موضوع، خود بحث مستقلی را طلب می نماید) نظارت بر حسن اجرای قواعد مبدأ و احراز منشأ کالاهای صادراتی و وارداتی، نظارت بر رعایت اصل عدم تبعیض در موافقت نامه موصوف به همه رفتارهای تجاری دو طرف اعم از رفتارهای تجاری مرتبط با اقلام تحت پوشش از سایر اقلام تجاری، نظارت بر صدور دقیق و صحیح گواهی مبدأ خاص موافقت نامه برای کالاهای ایرانی به مقصد اوراسیا و بالعکس گواهی فرم (CT۳) و همچنین تلاش برای موازنه سازی صدور گواهی های مذکور توسط اتاق های بازرگانی استان ها و شهرستان های مختلف ایران، اطلاع رسانی به تجار جهت تکمیل دقیق فرم گواهی مبدأ اقتصادی (گواهی مبداء CT۳) و رعایت دقیق دستورالعمل تکمیل این گواهی به منظور ضمانت برخورداری تجار ایرانی از امتیازات تعرفه ای موافقت نامه و توجه و حساسیت ویژه اتاق های بازرگانی استانی به این موضوع، بسیار ضروری است. نگارنده سطور به یاد دارد که در زمان اجرای موافقت نامه موقت تجارت آزاد بیش از ۷۰ درصد گواهی های مبداء (CT۳) به مقصد اوراسیا توسط اتاق بازرگانی رشت صادر گردید و اتاق های بازرگانی تهران و اصفهان و دیگر شهرها، با اختلاف زیاد در رتبه بعدی قرار داشتند. این موضوع دلایل متعددی دارد ولی یکی از دلایل عدم توازن در تعداد صدور گواهی های مبداء، می تواند ناشی از عدم آگاهی تجار و ذینفعان سایر شهرها نسبت به موضوع موافقت نامه و مزیت های حاصل از آن باشد.

علاوه بر مطالب فوق، توجه به نحوه ارزش گذاری واقعی کالاهای ایرانی، موضوع پیوست موافقت نامه، بسیار حائز اهمیت می نماید. این موضوع در ایام ماموریت نگارنده سطور در مسکو، همواره یکی از متغیر های مورد گلیه تجار ایرانی فعال در قلمرو سرزمینی روسیه در طول سالیان گذشته بوده و همواره مشکلاتی را برایشان ایجاد نموده است .

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران برای حدود چهار دهه تحت فشارهای سنگین و یکی از پیچیده ترین نظام های تحریمی جهان و سایه مداوم کاربرد زور، تهدید و ارباب قرار داشته و در حالی به حیات مبارک خود ادامه می دهد که به دلیل اثربخشی تدریجی تحریم ها از یک طرف و مشکلات ساختار اقتصاد داخلی و تجارت خارجی از سوی دیگر، در تنگنای شدید اقتصادی قرار گرفته است. در چنین شرایطی بدون ایجاد یک تحول در حوزه تجارت

خارجی و تحقق الزامات مرتبط با آن، نمی‌توان آینده متفاوتی از شرایط فعلی را برای کشور متصور و ترسیم نمود. از سوی دیگر، روند کنونی اقتصاد بین‌الملل حرکت به سمت ادغام و یکپارچگی تجارت است و سیاست گذاری قالب کشورها در حوزه تجارت خارجی حرکت به سمت ادغام موثر و کارآمد در اقتصاد جهانی است که نمونه موفق آن چین است. اما از آنجایی که نه تنها از عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت توسط آمریکا جلوگیری و ممانعت به عمل آمده، بلکه از حضور و مشارکت فعالانه ایران در زنجیره ارزش جهانی و حتی زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای چه آگاهانه و خودخواسته و چه ناخواسته و از روی ناچاری، ممانعت شده و به گونه استراتژیک ایران را در چرخه اقتصاد جهانی تنها و از منافع حاصل از آن تا حدود زیادی محروم نموده است. بنابراین، با در نظر داشت مشکلات فوق الذکر، به نظر می‌رسد ما به شدت نیازمند تغییر جدی پارادایمی در نگاه و رویکرد به تجارت خارجی و متعاقباً نیازمند ارائه یک راه حل منظومه‌ای (نظام تجارت منظومه‌ای) برای برون رفت از مشکلات حوزه تجارت خارجی کشور و به تبع آن نیازمند تهیه اطلس دیپلماسی تجاری جمهوری اسلامی ایران با اوراسیا به عنوان یک بلوک مهم و نوظهور و به عنوان یگانه منبع تجارت آزاد قابل اجرا برای کشور در شرایط فعلی و یگانه فرصت استثنایی برای تحقق ایده راهبردی توسعه کریدوری مبتنی بر تجارت آزاد هستیم. این راهبرد منظومه‌ای در صورت طراحی، تدوین و اجرا، می‌تواند در کنار تاثیر ژرف آن بر ساختار اقتصاد داخلی و تجارت خارجی کشور، پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ای بر تجارت منطقه‌ای داشته باشد. البته تحقق این مهم مستلزم تغییر پارادایم است. تغییر پارادایم نیز مستلزم توان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطح کلان جهت ریل‌گذاری در حوزه تجارت خارجی است.

هرچند نگارنده سطور بر این باور است که بهترین حالت برای کشور ما این است که با تمامی مؤلفه‌های قدرت و تمامی زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای همکاری نماید، اما در عین حال با یک نگاه واقع بینانه و با توجه به رویکرد تهدید نگر مداوم غرب و همراهی ساختاری نظام بین‌الملل در تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و سایه مستمر اقدامات تنبیهی و قهری بالقوه و بالفعل بر سر ایران، نیز بر این باور است که کشورمان بایستی برای استقلال و تقویت بنیادهای امنیت ملی خود، سیاست چسبندگی و وابستگی متقابل اقتصادی و خلق زنجیره ارزش منطقه‌ای را با کشورهای همسایه و محیط پیرامونی خود برقرار سازد و یک اقدام بنیادین در جهت خنثی سازی تاثیرات سیاست منزوی سازی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و اعمال فشارهای تحریمی در گستره و عمق زیاد توسط غرب، که متأسفانه چالش‌های هنجاری زیادی را در طول ۴۶ سال گذشته برای کشورمان ایجاد کرده، با هدف ممانعت از ایجاد یک نقطه فشار ساختاری و یک منبع مستقل نگرانی امنیتی جدید در منطقه اوراسیا توسط غرب انجام دهد. در این چارچوب علت تاکید بر همکاری با زنجیره ارزش منطقه‌ای اوراسیا ضمن در نظر

داشت واقعیت‌های موجود، چند عامل ذیل مطرح نظر می‌باشد: ۱- زنجیره منطقه ارزش اوراسیا، اولین و شاید آخرین فرصت ممکن طی یک دهه آتی برای جمهوری اسلامی ایران برای ورود و همکاری در یک زنجیره ارزش منطقه‌ای در قالب تجارت آزاد است؛ ۲- جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری است که بعد از جنگ جهانی دوم تحت شدیدترین تدابیر تحریمی موفق به امضای موافقت نامه تجارت آزاد منطقه‌ای شده است؛ ۳- امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اوراسیا ایران را از سطح یک تعامل و سطوح همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی وارد سطح دوم از سطوح پنج گانه تعامل جهانی کرده است؛ ۴- امضای موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اوراسیا به معنای پذیرش اصل رقابت و رقابت پذیری تجاری از سوی جمهوری اسلامی ایران است و اجرای آن نخستین تجربه عملی ایران در این بسترگاه می‌باشد و می‌توان آن را به عنوان مدل آزمایشی ورود ایران به سایر موافقت‌نامه‌ها و ترتیبات تجاری چند جانبه و همین‌طور سازمان جهانی تجارت در آینده تصور و عرصه کسب تجربه قلمداد نمود. از این زوایه دید، می‌توان گفت رابطه تجارت پایه با منطقه اوراسیا صرفاً یک انتخاب سیاسی و از سر ناچاری نیست بلکه رابطه‌ای طبیعی و در چارچوب توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای است و با ورود کشورمان به زنجیره ارزش منطقه، تاب آوری و توانمندسازی اقتصاد کشور افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، نگاه به اوراسیا نگاه انتخابی بین دو بلوک اوراسیا و یا بلوک یورو آتلانتیک نیست بلکه نگاهی شبکه محور مطرح و مدنظر است ولی اوراسیا به دلیل چسبندگی جغرافیایی و انعقاد موافقت نامه تجارت آزاد شروع یک تحول در حوزه تجارت خارجی کشور قلمداد گردیده و همچنین راهکاری است برای تجربه پدیده‌های جهانی شدن در یک مقیاس منطقه‌ای محدودتر و کم‌خطرتر. البته بدیهی است در فرایند اجرای تجارت آزاد، به طور طبیعی کشورمان با فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهد شد. طبعاً این فرصت‌ها و چالش‌ها محصول فرایند طبیعی تجارت آزاد است. لازمه تجارت آزاد برای کشورمان افزایش توانایی رقابتی در بازار منطقه‌ای است و موفقیت در آن ضمن ارتباط مستقیم با تولید داخلی، به صورت طبیعی بستگی به سطح رشد و توسعه اقتصادی کشور و کمیت و کیفیت ادغام کشورمان در اقتصاد منطقه‌ای بستگی خواهد داشت. لذا کشورمان برای اجرای صحیح موافقت نامه و برای منتفع شدن از منافع حاصل از آن، نیازمند بازبینی مولفه‌ها و رویکردهای پیشین حوزه تجارت خارجی و بازتعریف نقش تجارت و همه رویه‌های تجاری بر اساس شرایط جدید است و موافقت نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصت باز طراحی شکل نوین الگوی توسعه و همگرایی توسعه محور بلندمدت تجارت پایه و در هم تنیده با بلوک اوراسیا را فراهم نموده، تا از این رهگذر بتوانیم سیاست‌های درون زایی خود را با رویکرد برون گرایی، تجارت پایه کنیم و بر این مبنا اصلاحات ساختاری انجام و سازوکارهای تجارت خارجی خود را روزآمد سازیم. براین اساس، باز تعریف جایگاه کشور در زنجیره ارزش جهانی و زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای مبتنی بر تجارت آزاد در چارچوب راهبرد ایده راهبردی توسعه کریدوری، بخشی از الزامات مورد نیاز جهت بازطراحی الگوی توسعه تجارت خارجی

کشور، در شرایط فعلی است. در صورت تدوین و عملیاتی نمودن موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چارچوب مفهوم توسعه کریدوری و نه پروژه‌ای، می‌توان به شکل‌گیری زنجیره ارزش منطقه‌ای مبادرت نمود. به عبارت دیگر، تنها در چارچوب شکل‌گیری مفهوم توسعه کریدوری است که می‌توان با حوزه پیرامونی در هم تنیدگی ایجاد و از این طریق حوزه نفوذ کشور را به حوزه منافع تبدیل و ضمن ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، به توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای مبادرت نمود. درواقع آینده ایران برای برهم زدن انزوای اقتصادی، تنها از مسیر عملیاتی کردن **"یک ایده راهبردی توسعه کریدوری"** می‌گذرد که متأسفانه در کشور ما یا به آن پرداخته نمی‌شود و یا یک درک سطحی و برداشت پروژه محور، دولت محور و نگاه از بالا به پایین از آن می‌شود. در حالی که، اساسا کریدور، بایستی در رویکرد توسعه ای و در چرخه زنجیره ارزش منطقه ای و حتی در یک سطح بالاتر در چرخه زنجیره جهانی ارزش دیده، تعریف و اجرا شود.

بنابراین و با توجه به مجموع واقعیات فوق الذکر و نیز با توجه به الزامات همسایگی، موقعیت خاص جغرافیایی و موقعیت ترانزیتی برتر، جمهوری اسلامی ایران نیازمند تولید گفتمان برای بازتعریف نقش خود در اوراسیاست. حوزه اوراسیا را هم نمی‌توان با رویکرد صرفا ژئوپلیتیک چاره اندیشی کرد؛ بلکه نیازمند طرح راهبردی ژئواکونومیک است تا از رهگذر آن مزیت ژئوپلیتیک کشور به مزیت ژئواکونومیک تبدیل و به تبع آن حوزه نفوذ کشور به حوزه منافع تغییر جهت دهد. بر این اساس، موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا، بستر بازطراحی الگوی توسعه تجارت خارجی کشور، در شرایط فعلی و در یک جغرافیای منطقه ای محدودتر و کم مخاطره تر فراهم نموده و با تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، اولین بار است که کشورمان دارد وارد فاز تجارت آزاد می‌شود و در نظر است تعرفه تجاری **۱۷ درصد** اقلام کالایی ایران (حدود شش هزار قلم کالا، با HS هشت رقمی)، **صفر** شود. لذا موضوع فوق العاده مهمی در حوزه تجارت خارجی کشور در شرف وقوع است و از این پس جمهوری اسلامی ایران، لاجرم می‌بایست واجد دو نوع رژیم تجاری شود. باعنایت به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌گردد دولت موافقت نامه تجارت آزاد با اوراسیا را به مثابه یک پروژه ملی مطمح نظر قرار بدهد و سازمان ها و متولیان امر را برای اجرای صحیح آن آماده و ذیل این موافقت نامه، تعاریف، ساختار و مأموریت تازه ای ترسیم شود تا بتوان در یک بازه فرآیندی و با اتخاذ رویکرد تجارت خارجی توسعه گرا (مبتنی بر تجارت آزاد کریدور پایه) جزیی از یکپارچگی پهنه اوراسیا مبدل و ضمن منتفع شدن از قبل این همکاری، ضریب ریسک سیاسی-امنیتی خود را بهبود و ارتقاء بخشید. برای تحقق چنین شرایطی، ضروری است جمهوری اسلامی ایران، با سیاست گذاری کلان، روابط خود با همسایگان شمالی عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و با تکیه بر موافقت نامه تجارت آزاد امضا شده تنظیم و باز آراییی نموده و در پی آن نظم اقتصادی جدیدی در محیط داخلی و پیرامونی شکل و طرحی نو در

حوزه تجارت خارجی دراندازد. چراکه اساسا حیات و طراوت، منوط به نوآوری است و موافقت نامه تجارت آزاد از چنین ظرفیتی برای نوآوری در حوزه تجارت خارجی برخوردار است و تحقق آن نیز، مستلزم رفع موانع تجارت آزاد در داخل کشور می باشد.

در پایان با توجه به بار نشستن زحمات ده ساله انعقاد موافقت نامه تجارت آزاد، جا دارد از فرصت استفاده نموده از زحمات بی شائبه و گرانسنگ آقای سیدی به عنوان مذاکره کننده ارشد و همکار ایشان سرکار خانم حاج کریمی یاد گردد. نیز بجاست به نقش اثر گذار سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو در دوره مدیریت جناب آقای دکتر سنایی و جناب آقای دکتر جلالی و همچنین به نقش اثر گذار و تدبیر دو تن از مدیران سابق کشور، جناب آقایان دکتر محمود واعظی و دکتر رضا اردکانیان، وزرای ارتباطات و نیرو و روسای سابق کمیسیون های مشترک همکاری های اقتصادی و تجاری دوجانبه در فرآیند مذاکرات و اجرایی سازی موافقت نامه موقت تجارت آزاد اشاره شود.

تهیه کننده: داود میرزاخانی

سرکنسول جمهوری اسلامی ایران – کازان

۱۴۰۴/۱/۲۸